



غیر علنی بودن دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان در نظام بین‌المللی حقوق بشر (با نگاهی به نظام دادرسی کیفری ایران)

مرتضی راسته*^۱، نسرين مهرا^۲، مژگان نعمتی^۳

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

E-mail: morteza.rasteh313@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:



Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms



چکیده

با توجه به آسیب‌پذیری شخصیت کودک یا نوجوان متهم به نقض قوانین کیفری و به‌منظور پرهیز از نهادینه‌شدن بزهکاری در وی در اثر برچسب‌زنی، اعتقاد بر این است که باید در رسیدگی به اتهام او از تدابیر افتراقی بهره گرفت؛ بر این مبنا، به‌رغم آنکه اصل دادرسی علنی مشتمل بر دو مؤلفه «برگزاری جلسات رسیدگی به‌صورت علنی» و «علنی بودن احکام»، در پرتو مقررات عام کیفری به‌عنوان اصلی بنیادین در جهت تضمین شفافیت فرایند رسیدگی به شمار می‌رود، عدالت برای کودکان و نوجوانان اقتضا دارد تا تعدیل اصل مزبور از طریق برگزاری غیرعلنی جلسات رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان در عین انتشار عمومی احکام آن‌ها، در شمار تضمین‌های دادرسی منصفانه برای آنان محسوب گردد. یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است، نمایانگر آن است که در نظام بین‌المللی حقوق بشر، اغلب از طریق اسناد حقوق بشری و به‌ویژه نهادهای قضایی و نظارتی آن‌ها، سازوکارهای مشخصی در رابطه با غیرعلنی بودن دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان و برگزاری جلسه رسیدگی بدون حضور مردم و رسانه‌ها در محاکم ملی در نظر گرفته شده است؛ تدابیری که ضمن حفظ حریم خصوصی کودکان و نوجوانان و پرهیز از الصاق برچسب مجرمانه به این قشر، زمینه را برای مشارکت مؤثر آن‌ها در دادرسی‌های کیفری فراهم می‌نماید. با این حال، در انتشار و دسترس‌پذیری آرای صادرشده از دادگاه‌های ویژه کودکان و نوجوانان، اصل علنی بودن احکام با رعایت اصل گمنامی مورد پذیرش نظام بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است. در نظام دادرسی کیفری ایران، به‌رغم اینکه انتشار عمومی احکام دادگاه‌های اطفال و نوجوانان با رعایت گمنامی و حریم خصوصی آن‌ها، تنها در یک دستورالعمل قضایی و نه در قانون پیش‌بینی شده است، می‌توان اذعان نمود که رویکرد قانون‌گذار در خصوص غیرعلنی بودن دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان و همچنین مستثنی‌نمودن والدین و سرپرستان قانونی از این قاعده و اقدامات صورت‌گرفته ناظر بر مشارکت آن‌ها در جلسات دادرسی این گروه از متهمان، تا حدود زیادی همسو و منطبق با نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد.

واژگان کلیدی: حقوق کودکان و نوجوانان، دادرسی غیرعلنی، دادرسی منصفانه، حریم خصوصی، عدالت افتراقی



۱. مقدمه

شفافیت قضایی و نظارت عمومی بر عملکرد نظام دادگستری از طریق برگزاری علنی دادرسی‌ها، به‌طور ویژه‌ای در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است.^۱ با این حال، عدالت علنی شامل مجموعه‌ای از اقدامات با اهداف متعدد است که در صورت بروز تعارض با سایر ارزش‌های اساسی، محدودیت‌هایی پیدا می‌کند. بر این اساس، در مواردی که علنی بودن دادرسی، اجرای صحیح عدالت را تضمین نکند و به‌عکس، اطمینان از منصفانه بودن دادرسی برگزار می‌شود، آن را ایجاب نماید، اصرار بر علنی بودن توجیهی نخواهد داشت. در این راستا، از یک سو باید توجه داشت که دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان معارض با قانون^۲، از ضرورت وجود یک نظام دادرسی افتراقی^۳ در خصوص این قشر از متهمان نشأت گرفته است و از سوی دیگر،

۱. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر، بند ۱ از اصل اول اصول و دستورالعمل‌های حق دادرسی عادلانه و معاضدت حقوقی در آفریقا و همچنین بند ۷ ماده ۶۴ و بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به‌صراحت و یا به‌طور ضمنی از اصل علنی بودن دادرسی سخن گفته و آن را مورد حمایت قرار داده‌اند.

۲. به نظر می‌رسد اتخاذ واژه «معارض با قانون» در برخی متون دادرسی کودکان و نوجوانان برای توصیف آن دسته از کودکان و نوجوانانی که رفتار ایشان در مغایرت با قوانین کیفری و دارای عناوین مجرمانه است، به‌مراتب بار منفی کمتری نسبت به کاربرد واژه‌های «بزهکار»، «مجرم» یا «منحرف» داشته باشد. به‌کار بردن واژه‌های مذکور، به‌صورت ناخودآگاه رفتاری ضداجتماعی در کودکان و نوجوانان به وجود می‌آورد (مودن‌زادگان، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

۳. افتراقی بودن نظام دادرسی کودکان و نوجوانان به‌معنای پیش‌بینی تشکیلاتی منسجم و پاسخ‌هایی منطبق با نیازهای کودکان و نوجوانان و در نظر گرفتن سن، سطح بلوغ و ظرفیت‌های فکری و عاطفی اوست (شاملو و حسینی، ۱۳۹۹: ۷۵). در این راستا، اولین دادگاه اختصاصی کودکان و نوجوانان با هدف اتخاذ روش ویژه‌ای بر دادرسی این قشر از متهمان، در آپریل ۱۸۹۹ در شهر شیکاگو واقع در ایالت ایلینوی آمریکا تأسیس شد. در حقوق ایران نیز از سال ۱۳۰۴ نظام عدالت افتراقی کودکان و نوجوانان معارض با قانون، در «قانون مجازات عمومی» تقنین شد. البته از آنجا که این قانون رسیدگی‌های شکلی را هدف خود قرار نداده بود، در



بر حفظ حریم خصوصی کودکان و نوجوانان، حمایت از آنان در برابر برچسب‌زنی و کمک به فرآیند بازپروری و اجتماعی‌شدن مجدد آن‌ها، به‌عنوان یک حق بسیار مهم تأکید شده است. لذا باید اطمینان حاصل شود که جلسات دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان به‌طور غیرعلنی برگزار می‌شود و هویت آن‌ها در تمام مراحل دادرسی (حتی پس از انتشار عمومی حکم قطعی)، فاش نمی‌گردد و جزئیات پرونده فقط در معرض دید افراد محدودی قرار می‌گیرد.

پیمان‌نامه حقوق کودک^۱، بدون تفکیک میان کودک و نوجوان، کلیه اشخاص زیر هجده سال را «کودک» اطلاق می‌کند. در این رابطه، ماده ۱ این پیمان‌نامه مقرر می‌دارد: «منظور از کودک در این پیمان‌نامه، فرد زیر هجده سال است؛ مگر اینکه سن بلوغ طبق قانون قابل اجرای داخلی، کمتر تشخیص داده شود»؛ بنابراین اصل بر این است که سن این قشر و مسئولیت کیفری آن‌ها، توسط دولت‌ها مشخص می‌شود. علت وضع حکم قسمت اخیر ماده ۱ پیمان‌نامه حقوق کودک این است که هر کشور با توجه به وضعیت جسمی و روانی و رشد عقلی کودکان تحت حاکمیت خود و در پاره‌ای از موارد با توجه به واقعیات سیاسی و اجتماعی و با در نظر گرفتن آداب و سنن مذهبی، سن معینی را به‌عنوان سن رشد و بلوغ اعلام می‌کند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۰۴). اگرچه در مورد تعیین این سن رویه‌های متنوعی در قوانین داخلی کشورها وجود دارد، اما به‌طور کلی دولت‌ها

سال ۱۳۲۸ با تصویب «قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهارکار»، جرایم این قشر در دادگاه‌های تخصصی رسیدگی شد و این قانون، منشأ رسیدگی‌های شکلی و ماهوی گردید.

1. Convention on the Rights of the Child (1989)

۲. پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. تاکنون تمام اعضای ملل متحد به‌جز ایالات متحده آمریکا این سند را تصویب کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند و به این ترتیب، آن را به مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ تبدیل کردند. ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این پیمان‌نامه پیوست.



ترغیب شده‌اند که این سن را خیلی پایین در نظر نگیرند.^۱ نظر به اینکه نظام بین‌المللی حقوق بشر - به دلیل غنای محتوا و فراگیر بودن استانداردهای آن - گنجینه‌ای از مباحث راجع به الزامات و سازوکارهای ویژه جهت تحقق مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسات دادرسی را در بر داشته و به نوبه خود، موازین گران‌بهایی را در نظام‌های دادرسی ملی وارد نموده است، در این پژوهش برای مطالعه تطبیقی برگزیده شده است. مقاله حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نگاشته شده است، ضمن شناسایی مبانی نظری پذیرش محرومیت مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسات دادرسی کودکان و نوجوانان، در پی پاسخ به این پرسش است که برگزاری غیرعلنی رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان و نحوه انتشار احکام کیفری در پرتو افتراقی بودن عدالت کیفری این قشر از متهمان، با چه سازوکاری در نظام بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته شده است؟ همچنین دستیابی به پاسخ این پرسش که اعمال این موضوع در نظام دادرسی کیفری ایران تا چه حدودی با معیارهای مورد پذیرش نظام بین‌المللی حقوق بشر همسو و منطبق است، یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان این مقاله می‌باشد.

در خصوص پیشینه تحقیق و نیز وجه نوآوری مقاله حاضر، شایان ذکر است که هرچند به دلیل اهمیت اساسی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان و دادرسی ویژه آنان،

۱. در حقوق کیفری ایران با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با هر فرد زیر هجده سال در زمان ارتکاب جرم، باید مطابق با مقررات مربوط به عدالت اطفال و نوجوانان و دادرسی منصفانه ویژه آن‌ها رفتار شود و در این راستا، صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان برای رسیدگی به اتهامات این قشر از متهمان نیز هجده سال تعیین گردید. ضمن اینکه قانون‌گذار در ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به صراحت «نوجوانان» را هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است، تعریف نمود. از این رو می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که در حال حاضر افتراقی بودن دادرسی اطفال و نوجوانان در ایران، تمامی افراد زیر هجده سال را شامل می‌شود؛ که این موضوع با معیارها و استانداردهای بین‌المللی به خصوص پیمان‌نامه حقوق کودک، سازگار می‌باشد.



پیرامون آن پژوهش‌هایی صورت گرفته است^۱، لیکن تاکنون تحقیقی اختصاصی در رابطه با موضوع غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان به شکل حاضر، به انجام نرسیده است؛ به خصوص نگرش ویژه به برخی از معتبرترین اسناد عام حقوق بشری و مقررات خاص مربوط به حقوق کودک و همچنین تبیین معروف‌ترین پرونده‌های مطروحه در مراجع قضایی حقوق بشر و ارزیابی تصمیمات اتخاذی آن‌ها در خصوص دعاوی مربوط به نقض قاعده غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان در محاکم ملی، از ویژگی‌ها و نوآوری‌های خاص مقاله حاضر می‌باشد که سبب تمایز آن از نوشتارهای قبلی است.

با توجه به آنچه که در بخش نخست به‌عنوان مقدمه اشاره شد، ساختار مقاله به این ترتیب خواهد بود که در بخش دوم، مبانی نظری غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان مطالعه خواهد شد؛ در بخش سوم، رویه مراجع قضایی و نظارتی حقوق بشر در رابطه با غیرعلنی بودن دادرسی این قشر از متهمان، مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ در بخش چهارم، استثناء واقع‌شدن والدین و سرپرستان قانونی از این قاعده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و سرانجام در بخش پنجم، سازوکار اعلان و انتشار احکام صادرشده از دادگاه‌های ویژه کودکان و نوجوانان تبیین خواهد شد. در خلال هر بحث، به رویکرد نظام دادرسی کیفری ایران نیز اشاره خواهد شد.

۲. مبانی نظری غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان

به‌عنوان یک اصل کلی، برگزاری غیرعلنی دادرسی کودکان و نوجوانان عنصری

۱. از مهم‌ترین این پژوهش‌ها، می‌توان به مقالات زیر اشاره نمود: مهرا، نسرين (۱۳۸۲). «عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی، دوره ۶، شماره ۳۸؛ مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۳). «دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران»، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، دوره ۹، شماره ۳۳؛ مهرا، نسرين (۱۳۸۹). «بازگشت مداخله نظام کیفری در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۱۳؛ غلامی، حسین (۱۳۹۲). «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۰، شماره ۶؛ نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۶). «دادگاه‌های کیفری رسیدگی‌کننده به جرم‌های اطفال و نوجوانان»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۸، شماره ۱۵.



اساسی در جهت تحقق دادرسی منصفانه تلقی می‌شود. در این راستا، موضوعاتی مانند «رعایت حق حریم خصوصی»، «پرهیز از پیش‌داوری و برچسب‌زنی» و «توجه به اصل برائت» به‌عنوان مبانی نظری لزوم برگزاری غیرعلنی دادرسی نوجوانان شناخته می‌شوند. در ادامه به تبیین هر یک از این موضوعات پرداخته خواهد شد.

۱-۲. رعایت حق حریم خصوصی

برگزاری علنی جلسات دادرسی کودکان و نوجوانان، منجر به نقض محرمانگی و تعدی به حریم خصوصی آن‌ها می‌شود؛ که این موضوع، گاه به اعتبار این قشر خدشه وارد کرده و در نتیجه، لطمات جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. در این رابطه، بند ۱ قاعده ۸ از قواعد پکن (حداقل قوانین استاندارد سازمان ملل در مورد اجرای عدالت نوجوانان)^۱ تأکید می‌کند که «حق حریم خصوصی نوجوان باید در تمام مراحل رعایت شود تا از ورود آسیب‌های ناشی از شناسایی هویت وی، در امان باشد». وقتی کودک یا نوجوان متهم به نقض قوانین کیفری وارد یک دادگاه غیرعلنی می‌شود، می‌داند هر کلمه‌ای که هنگام اظهارنظر، دفاع یا شهادت بیان می‌شود، صرفاً توسط کنشگران فرایند دادرسی استماع می‌گردد. از این رو، با آرامش و آسودگی خاطر می‌تواند از خود دفاع نماید؛ اما با علنی بودن محاکمات و حضور عموم مردم و رسانه‌ها در دادگاه، امکان شناسایی این گروه از متهمان چندین برابر می‌شود و بدین ترتیب، حریم خصوصی آن‌ها به گونه‌ای مورد تهدید قرار می‌گیرد. این موضوع ممکن است آرامش و تمرکز کودک یا نوجوان را در دفاع از خود برهم زند و به لحاظ روانی، وی را در محذوریت قرار دهد؛ به گونه‌ای که به جهات مختلف از جمله به دلیل احساس شرم یا ترس، نتواند برخی مطالب و دفاعیات را مطرح کند و در نتیجه، آزادی دفاع از وی سلب می‌شود. از این رو، می‌توان اذعان نمود که حمایت از حریم خصوصی کودکان و نوجوانان به واسطه غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی، به طور قابل توجهی با حق مشارکت مؤثر آن‌ها

1. United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (Beijing Rules) (1985)



در فرایند دادرسی نیز مرتبط می‌باشد (Radić, 2020: 576).

برخی در توجیه آسیب احتمالی به حریم خصوصی از طریق برگزاری علنی محاکمات، کودک یا نوجوان معارض با قانون را به یک بیمار تشبیه می‌کنند که به دلیل ارتکاب جرم، شخصیت وی بیمار است و نیاز مبرم به درمان دارد؛ در حالی که با علنی کردن دادرسی و ورود به حریم خصوصی و افشای هویت و یا تصویر این قشر - به روشی که افکار عمومی را قادر به شناسایی آن‌ها کند - ممکن است کل فعالیت درمانی به خطر بیفتد (Nicholls, 2017: 17). از طرفی نیز با توجه به این واقعیت که خانواده کودکان و نوجوانان معارض با قانون، به دلیل مشارکت مؤثر و نقش اساسی که در بازپروسی آن‌ها دارند، اساساً درگیر فرایند دادرسی کیفری می‌شوند؛ لذا بسیاری از سوابق دادگاه کودکان و نوجوانان، مربوط به اطلاعات روان‌پزشکی و روان‌شناختی محرمانه در مورد والدین یا خواهر و برادر این قشر از متهمان می‌باشد. از این رو، برخی از اعضای خانواده نیز به طور مستقل، از غیرعلنی بودن دادرسی و حفظ محرمانه بودن سوابق کودکان و نوجوانان سود خواهند برد و حریم خصوصی این افراد نیز حفظ خواهد شد (Kfoury, 2023: 113)؛ بنابراین حق بر حریم خصوصی کودک یا نوجوان معارض با قانون، در جدال با اصل علنی بودن دادرسی‌ها قرار دارد؛ به طوری که شناسایی این حق، چهارچوب حفاظت‌شده و امنی را برای این قشر از متهمان به وجود می‌آورد که در آن می‌توانند از بازرسی، نظارت و داوری افکار عمومی در مورد امور شخصی خود آزاد و فارغ باشند. بر این اساس می‌توان پذیرفت که حق شهروندان برای حضور در جلسات دادرسی، باید در برابر آسیب احتمالی به حق حریم خصوصی کودکان و نوجوانان تعدیل گردد.

۲-۲. پرهیز از برجسب‌زنی

بسیاری از استدلال‌ها در خصوص پذیرش غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان، مبتنی بر نظریه برجسب‌زنی می‌باشد. جان‌مایه نظریه برجسب‌زنی این عقیده است که تفکرات و دیدگاه دیگران نسبت به یک شخص، می‌تواند رفتار وی را تحت



کنترل خود قرار دهد. این امر در خصوص کودکان و نوجوانان معارض با قانون، مانع از رشد رفتارهای قابل قبول اجتماعی آنها خواهد شد و حتی ممکن است اعتماد به نفس خویش را از دست بدهند و تصویر داده شده از سوی جامعه را بپذیرند (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۸: ۱۵۱) و بر اساس آن، خودپنداره مجرمانه در آنها شکل گیرد و به «کژروی دومین»^۱ منجر گردد (مهر، ۱۳۹۹: ۶۵). در این خصوص، بند «و» ماده ۵ رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (موسوم به رهنمودهای ریاض)^۲ مقرر می‌دارد: «باید آگاهی داشت که به اعتقاد اغلب کارشناسان، برچسب‌زنی به نوجوان تحت عنوان منحرف، بزهکار یا بزهکار بالفطره، غالباً موجب می‌شود که الگوی رفتاری ثابت و ناپسند برای نوجوانان پدید آید». همچنین اطرافیان نوجوان و حتی همسالانی که رفتار بزهکارانه نوجوان را به یاد دارند، ممکن است برای همیشه وی را فردی مجرم و منحرف ببینند و آگاهانه یا ناخودآگاه با او به گونه‌ای متفاوت و زننده رفتار کنند.

برگزاری علنی دادرسی کودکان و نوجوانان ممکن است با محدود کردن فرصت‌های شغلی و آموزشی، چالش‌هایی را در آینده برای این قشر ایجاد کند؛ زیرا هنگام انتخاب از بین متقاضیان، کارفرمایان کمتر کسانی را انتخاب می‌کنند که دارای سابقه کیفری در دوران کودکی و نوجوانی هستند. به‌عنوان مثال، با مطالعه‌ای که در رابطه با افراد محکوم به مجازات و افرادی که تبرئه شدند صورت گرفته است، این واقعیت روشن شد که پس از بسته شدن پرونده، هم اشخاصی که محکومیت در سبب کیفری آنها ثبت شده و هم کسانی که سبب کیفری آنها پاک است، با کاهش پیشنهادهای شغلی و مردود شدن در مصاحبه‌های استخدامی روبرو شده‌اند (Lee and Bubolz, 2020: 73). از طرفی نیز نظر به اینکه انگ مجرم بودن علاوه بر خود متهم، بر اعضای خانواده،

1. Secondary Deviance

2. United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency (The Riyadh Guidelines) (1990)



والدین یا سرپرستان وی نیز تأثیر منفی می‌گذارد، این موضوع ممکن است به روابط خانوادگی نوجوان نیز خدشه وارد کند و آن را تحت‌الشعاع قرار دهد. در این راستا، مطالعات نشان می‌دهد که شرمساری والدین، سرپرستان قانونی و سایر اعضای خانواده به سبب علنی بودن دادرسی، ممکن است باعث ایجاد یا تشدید تنش و رنجش در خانواده شود و بدین‌ترتیب، والدین سازوکارهای حمایتی ضروری برای بازپروری مؤثر کودکان و نوجوانان را نادیده بگیرند یا آن‌ها را از حمایت و نظارت کافی محروم کنند. طبیعتاً چنین کودک یا نوجوانی بدون پیوند خانوادگی قوی، چشم‌انداز محدودی برای بازپروری دارد و احتمالاً دوباره مرتکب جرم خواهد شد (Webb, 2008: 2-3)؛ بنابراین، ننگ و بدنامی در نتیجه حضور در دادگاه علنی به‌عنوان متهم و انتشار جریان محاکمه توسط رسانه‌ها ممکن است عواقبی را به طور نااعدلانه در طول زندگی این قشر جاری گرداند که بازگشت مجدد آن‌ها به جامعه و محیط خانوادگی را با دشواری جدی روبرو خواهد کرد. لذا ضروری است که در دوران امر بین پرهیز از برچسب‌زنی و رعایت اصل علنی بودن دادرسی‌ها، موضوع برچسب‌زنی را مقدّم دانست و رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان را به‌صورت غیرعلنی برگزار نمود.

۲-۳. توجه به اصل برائت

اصل برائت^۱ تضمینی است برای متهم در مقابل کنشگران فرایند کیفری و همچنین افکار عمومی، به منظور ممانعت از اینکه وی قبل از رسیدگی به جرم و اثبات آن در دادگاه، به‌عنوان مجرم تلقی گردد. شق «ب» از بند ۲ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک در این رابطه خاطر نشان می‌کند: «هر کودکی که متهم به نقض قوانین کیفری شود، از حداقل تضمین‌های زیر برخوردار خواهد بود: (۱) تا زمانی که جرم وی طبق قانون و با صدور حکم قطعی ثابت نشده است، بی‌گناه فرض شود...». از این‌رو هرگونه عملی که

۱. برخی حقوقدانان‌ها ترجیح داده‌اند در عرصه قضا، از «فرض برائت» (Presumption of Innocence) به‌جای اصل برائت سخن بگویند (قاری سید فاطمی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۲۲۹).



به طور مستقیم یا غیرمستقیم، صریح یا ضمنی، منجر به ایجاد ذهنیت در خصوص مجرمیت شخص متهم گردد، به عنوان نقض اصل برائت محسوب می‌شود. در همین راستا، یکی از موضوعاتی که به نوعی موجب انحراف افکار عمومی و پیش‌داوری و قضاوت غیرمنصفانه جامعه نسبت به پرونده و در نتیجه، منجر به ورود آسیب جدی به اصل برائت می‌گردد، برگزاری علنی دادرسی کودکان و نوجوانان می‌باشد؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن اینکه علنی بودن دادرسی بیشتر از طریق حضور رسانه‌ها در دادگاه محقق می‌شود و به واسطه انتشار هویت و به خصوص تصویر کودک یا نوجوانی که هنوز دلایل اتهام او بررسی نگردیده و حکم محکومیت وی صادر و قطعی نشده است و معرفی او به عنوان متهم (و یا حتی گاه مجرم)، اصل برائت تحت الشعاع قرار گرفته و سبب شکل‌گیری فرض مجرمیت او در اذهان افراد جامعه خواهد شد (خالقی، ۱۳۸۸: ۲۰).

در این زمینه، به باور پژوهشگران حوزه حقوق رسانه، رسانه‌ها به دو صورت ممکن است برخلاف مقتضای اصل برائت عمل نمایند: ایراد اتهام و پیش‌داوری. این دو امر ممکن است هم‌زمان یا جدا از هم رخ دهند و به «محاكمه رسانه‌ای» کودکان و نوجوانان منجر شوند (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۷۸). از طرفی نیز این موضوع ممکن است از جهت بی‌طرف بودن یا بی‌طرف ماندن قاضی^۲، آثار سوء داشته باشد و باعث انحراف و نابسامانی در روند دادرسی و تأثیرات منفی در رفتار قاضی دادگاه شود و آن را تبدیل به ابزاری در جهت آسیب رساندن به اجرای عدالت نماید. بر این اساس می‌توان اذعان نمود که علنی بودن دادرسی، روابط غیررسمی بین قاضی و کودک یا نوجوان را

۱. این اصطلاح، کنایه از تکیه‌زدن رسانه‌ها بر کرسی قضاوت و رسیدگی به اتهام متهمان است.

۲. بی‌طرفی قاضی، دلالت بر این امر دارد که قضات نباید در خصوص موضوعی که به آن رسیدگی می‌نمایند، پیش‌داوری داشته باشند و نباید به خود اجازه دهند که تحت تأثیر عوامل خارج از پرونده مانند احساسات عمومی، تبلیغات رسانه‌ای و گرایش‌های درونی همچون تمایلات عاطفی، تعلقات خانوادگی، قومی، نژادی، عقیدتی و غیر آن قرار گیرند؛ بلکه باید نظر و رأی خود را بر استدلال‌های عینی مبتنی بر آنچه طی دادرسی ارائه شده، استوار سازند (شاملو و محمدی، ۱۳۹۰: ۹۳).



دچار خدشه کرده، آن را به جلسه دادرسی رسمی تبدیل می‌کند و در نتیجه، نقش پدران قاضی در مواجهه با این قشر از متهمان کاهش می‌یابد. از این رو اصل دادرسی علنی در تقابل با اصل برائت، می‌تواند مسئله‌ساز باشد. بر این اساس، در راستای حفظ منافع کودکان و نوجوانان و به منظور اجتناب از صدمه وارده به حقوق آن‌ها، روند رسیدگی به اتهام این قشر باید غیرعلنی باشد و اصولاً هیچ‌گونه اطلاعاتی که ممکن است منجر به تشخیص هویت و شناسایی کودک یا نوجوان شود، نباید منتشر گردد.

۳. غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان در رویه مراجع حقوق

بشری

رویه نهادهای قضایی و نظارتی حقوق بشر، گنجینه‌ای از مباحث راجع به سازوکارهای ویژه در جهت تحقق عدالت کیفری ویژه کودکان و نوجوانان را به روی ما گشوده و به نوبه خود، موازین گران‌بهایی را در نظام‌های دادرسی ملی وارد نموده است. یکی از مهم‌ترین این مباحث، موضوع برگزاری غیرعلنی جلسات دادرسی می‌باشد که در نظرات و آرای متعدد این مراجع و در پرتو مصادیق ملموس و عینی، شکافته شده و نکات مهمی را در اختیار ما قرار داده است. در این بین، دادگاه اروپایی حقوق بشر^۱ (واقع در استراسبورگ فرانسه) و دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر^۲ (واقع در سن‌خوزه کاستاریکا) به‌عنوان دو نهاد قضایی جریان‌ساز در حوزه حقوق بشر، در مواجهه با ادعاهای مربوط به نقض حق غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان در محاکم ملی و رد یا پذیرش ادعاهای مطروحه در این خصوص، احکامی را صادر نموده‌اند. در کنار این دو مرجع، کمیته حقوق کودک^۳ (واقع در ژنو سوئیس) نیز که به‌عنوان نهاد نظارتی تخصصی حوزه حقوق کودکان و نوجوانان برای پیشبرد اجرای مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک در دولت‌های عضو فعالیت می‌نماید، نظرات و گزارش‌هایی

1. European Court of Human Rights (ECtHR)
2. Inter-American Court of Human Rights (IACtHR)
3. Committee on the Rights of the Child (CRC)



را ارائه نموده است. در ادامه به بررسی رویه هر یک از این مراجع در رابطه با غیر علنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود.

۱-۳. دادگاه اروپایی حقوق بشر

هرچند که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ معیاری برای تعیین سن کودکان و نوجوان و مسئولیت کیفری آن‌ها در نظر نگرفته است، اما مطالعه رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر بیانگر آن است که قضات استراسبورگ در این خصوص، به مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک و قواعد پکن استناد کرده‌اند و به دولت‌های متعاقد یادآور شدند که این سن را خیلی پایین در نظر نگیرند (ECtHR, Coselav v. Turkey, 2012: Para.36).^۲ این مرجع، در راستای «رعایت اصل منافع عالی (بهترین منافع)^۳ کودکان و نوجوانان»^۴ و تحقق دادرسی منصفانه این قشر از متهمان و به تبعیت از حکم بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۵، بر این اعتقاد است که فرایند علنی بودن دادرسی در دادگاه بزرگسالان، همواره باید در مورد کودکان و نوجوانان به‌عنوان یک رویه به شدت تهدیدکننده برای حق مشارکت مؤثر آن‌ها در فرایند دادرسی تلقی شود.^۶ با نگاهی

1. European Convention on Human Rights (1950)

۲. همچنین نگاه کنید به: (ECtHR, V v. The United Kingdom, 1999: Paras.73-74).

3. The Best Interests

۴. رعایت اصل بهترین منافع کودکان و نوجوانان در فرایند دادرسی کیفری ایجاب می‌کند که مقامات انتظامی و قضایی، دادرسی ویژه افراد مذکور را صرفاً وسیله‌ای برای تحقق بازپروری، انعقاد شخصیت و مسئولیت-پذیری و ادغام مجدد این اشخاص در اجتماع بدانند (مؤذن‌زادگان، ۱۴۰۲: ۱۷).

۵. بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر داشته است: «هر کس حق دارد که به دعوی او به‌طور منصفانه و علنی... رسیدگی شود، اما با این‌حال... هنگامی که منافع کودکان و نوجوانان ایجاب نماید، ورود عموم مردم و رسانه‌ها به محل تشکیل جلسات دادگاه می‌تواند در تمام مدت رسیدگی یا بخشی از آن، ممنوع گردد».

۶. دادگاه اروپایی حقوق بشر در راستای تحقق حقوق مندرج در پیمان‌نامه حقوق کودک، حق مشارکت مؤثر در دادرسی را دارای سازوکاری پیچیده می‌داند که می‌تواند موضوعات مختلفی را در فرایند دادرسی شامل شود و در پرتو یک مجموعه بزرگ‌تری از الزامات، تحقق اهداف مدنظر خود را دنبال کند؛ به طوری که ساختار این



به سابقه دادگاه اروپایی حقوق بشر، مشخص می‌گردد که سازوکار مربوط به قاعده غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان و نتایجی که باید از آن‌ها گرفته شود، به طور مفصل در رسیدگی به قضیه «ت» و «و» علیه انگلستان که دادگاه اروپایی آن را در دو پرونده مجزا مورد رسیدگی قرار داد، بیان شده است. در این قضیه، خواهان‌ها که دو پسر یازده ساله با اتهام آدم‌ربایی و قتل هولناک یک طفل دو ساله بودند، اظهار داشتند محاکمه آن‌ها در دادگاهی علنی که مملو از خبرنگار و تماشاگر بود، با شیوه دادرسی بزرگسالان برگزار شد. از این رو، مدعی شدند که از حقوق مندرج در بند ۱ ماده ۶ (محاکمه منصفانه به واسطه برگزاری غیرعلنی دادرسی کودکان و نوجوانان) و ماده ۳ (عدم رفتار تحقیرآمیز نسبت به متهم) محروم شده‌اند. یکی از متهمان در دفاع از خود بیان داشت هنگامی که عموم مردم را در حال ورود به سالن دادگاه انگلستان مشاهده نمود، شوکه شد و به دلیل اینکه در جلسه دادرسی، مردم و اصحاب رسانه به او می‌خندیدند، نتوانست به دفاع از خود بپردازد و به گریه افتاد. همچنین این دو متهم به دلیل انتشار نام و عکس خود در رسانه‌ها، نگران بودند که مردم آن‌ها را به دیده یک تبه‌کار بنگرند. در رابطه با ادعای خواهان‌ها مبنی بر نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از سوی دادگاه انگلستان، قضات استراسبورگ این‌طور اظهار نظر نمودند که، گرچه بسیار مهم است کودکان و نوجوانانی که مرتکب رفتاری خطرناک شده‌اند، هم جدی بودن آنچه را که انجام داده‌اند، بپذیرند و هم مسئولیت خود را در جرم ارتكابی بر عهده گیرند، اما این امر با علنی بودن روند دادرسی، دشوار خواهد شد. بر این اساس، هنگام برگزاری محاکمه کودکان و نوجوانان به صورت علنی، واکنش‌های منفی شدید از سوی افکار عمومی رخ خواهد داد که مخلّ دادرسی منصفانه و حقّ دفاع این قشر از متهمان محسوب می‌شود. همچنین در خصوص ادعای یکی از خواهان‌ها

موضوع حتی با فقدان یکی از این الزامات، تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت. از مهم‌ترین الزامات حقّ مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در دادرسی، برگزاری غیرعلنی رسیدگی به اتهامات این قشر می‌باشد (Goldson, 2018: 147).



مبنی بر نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی از سوی دادگاه انگلستان، قضات استراسبورگ استدلال نمودند که گرچه ممکن است ماهیت دادرسی علنی تا حدودی احساس گناه، پریشانی و اضطراب را در متهم تشدید کرده باشد، اما ویژگی‌های خاص فرآیند دادرسی در دادگاه ملی که در مورد وی اعمال شده است، هرگز رنجی فراتر از آنچه که به واسطه ارتکاب جرم و تحمل مجازات سزاوار آن می‌باشد را بر وی تحمیل نکرده است. در نتیجه، دادگاه اروپایی در این پرونده ضمن پذیرش نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر توسط دادگاه انگلستان به واسطه برگزاری علنی محاکمه متهمان یازده ساله، نقض ماده ۳ کنوانسیون را احراز نکرد و این قسمت از درخواست خواهان‌ها را رد نمود (ECtHR, V v. The United Kingdom, 1999: Paras.17-19 and 78-80).

با این حال، جرائم پراهمیتی که در سال‌های اخیر توسط افراد کم سن و سال ارتکاب یافت -مانند فاجعه تیراندازی در مدارس (Sukhov, 2014) و تجاوز جنسی به هم-کلاس‌های خود (Long, 2017)- منجر به تغییر نگرش عمومی در مورد نظام عدالت کودکان و نوجوانان و تعدیل حق محرمانه بودن دادرسی این قشر از متهمان شده است. این تغییر نگرش -که در بستر الگوی عدالت کیفری و همچنین الگوی مدیریت خطر تبیین می‌شود- تا حدودی تغییرات در ساختار را در پی داشت. در این رابطه، دادگاه اروپایی حقوق بشر پذیرفته است که به طور استثنای کودکان و نوجوانان متهم به جرم قتل عمد و قتل غیرعمد یا جرمی سنگین با مجازات بیش از چهارده سال حبس برای شخص بزرگسال، در دادگاه عالی ویژه بزرگسالان و به صورت علنی و در برابر هیئت منصفه محاکمه می‌شوند (Van Dijk and Others, 2018: 58). لذا از نظر نظام اروپایی حقوق بشر، با وجود برخی شرایط و در موارد کاملاً مشخص، با تصمیم کتبی دادگاه،

۱. همچنین نگاه کنید به: (ECtHR, T v. United Kingdom, 1999: Paras.95-99).



برگزاری علنی جلسات دادرسی کودکان و نوجوانان امکان‌پذیر است.^۱ به هر حال در راستای حفظ حقوق متهم و رعایت اقتضائات دادرسی منصفانه، چنین تصمیمی باید از طرف متهم، وکیل یا ولی و سرپرستان قانونی وی، قابل اعتراض باشد.

۲-۳. دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر

به‌رغم اینکه کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۲ نیز همانند همتای اروپایی خود معیاری برای تعیین سن کودک یا نوجوان و مسئولیت کیفری وی در نظر نگرفته است، اما دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر به‌عنوان یگانه مرجع تفسیرکننده مفاد این کنوانسیون، در یکی از گزارش‌های خود، به‌صراحت تأکید نموده است که پیمان‌نامه حقوق کودک به‌عنوان بهترین الگو برای تعیین این موضوع محسوب می‌شود و بدین‌ترتیب، با تأسی از حکم ماده ۱ پیمان‌نامه حقوق کودک، تلویحاً سن بلوغ را هجده سال در نظر گرفت. این بدان معناست که از منظر نظام آمریکایی حقوق بشر، با هر فرد زیر هجده سال در زمان ارتکاب جرم، باید مطابق با مقررات مربوط به عدالت کودکان و نوجوانان و دادرسی منصفانه ویژه آن‌ها رفتار شود (IACtHR, Report on Juvenile Justice, 2011, Paras.37-38).

با نگاهی به رویه قضایی دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر و پرونده‌هایی که تاکنون در این دادگاه مطرح شده است، مشخص می‌گردد که مترقی‌ترین آرای صادره از سوی

۱. برخی نویسندگان، نادیده گرفتن اصول دادرسی ویژه کودکان نوجوانان را حاصل نفوذ جریان عوام‌گرایی کیفری در حوزه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان طی سالیان اخیر می‌دانند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵). سختگیری کیفری عوام‌گرا که مبتنی بر یک جمع‌بندی کارشناسی یا یک نظریه علمی مانند نظریه کیفرهای استحقاقی نیست، در واقع، با هدف آرام کردن مقطعی افکار عمومی مضطرب و ملتهب و نه مرتفع نمودن عوامل اساسی بزهکاری و انحرافات اعمال می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۴۸). بر این اساس، عدم نگاه جامع عوام‌گرایی به پدیده مجرمانه و تضعیف رویکرد افتراقی نسبت به شخص مرتکب، باعث شده است که حتی نظام عدالت ویژه کودکان و نوجوانان نیز از حیث ماهوی عموماً از راهکارهای کیفری و سرکوبگر استفاده کند و به لحاظ شکلی نیز از سازوکارهایی مانند تعدیل حق محرمانه بودن دادرسی کودکان و نوجوانان، حمایت نماید.

2. American Convention on Human Rights (1969)



این نهاد قضایی حقوق بشری که دامنه اثرگذاری مؤلفه‌های حق دادرسی منصفانه کودکان و نوجوانان را تعیین نموده و به‌صراحت برگزاری غیرعلنی رسیدگی به اتهامات این قشر را یکی از الزامات اساسی آن برشمرده است، مربوط به دو شکایتی می‌باشد که یکی علیه دولت گوآتمالا و دیگری علیه دولت پاراگوئه مطرح گردید. در این رابطه، قضات سن‌خوزه متذکر شدند که وقتی دستگاه قضایی ملی مجبور به مداخله در جرائمی است که توسط کودکان و نوجوانان ارتکاب یافته‌اند، از یک سو باید الزامات اساسی برای تضمین توان‌بخشی آن‌ها را مورد توجه قرار دهد و از سوی دیگر، در جهت تحقق دادرسی منصفانه این قشر از متهمان، سازوکارهای ضروری و مؤثری را اعمال نماید تا از این طریق، شرایطی برای آن‌ها فراهم شود که نقش مفید و ثمربخش در جامعه داشته باشند. یکی از مهم‌ترین این سازوکارها، برگزاری غیرعلنی دادرسی می‌باشد (IACtHR, *The Street Children v. Guatemala*, 1999: Para.185). چنین موضوعی در شکایتی که از سوی یکی از انجمن‌های بازپروری کودکان و نوجوانان در پاراگوئه علیه محاکم این کشور در دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر مطرح گردید نیز مجدداً مورد توجه قضات سن‌خوزه قرار گرفت و ضمن تأکید بر این موضوع که اعمال محدودیت در برگزاری علنی دادرسی کودکان و نوجوانان موجب حفظ منافع این قشر می‌گردد و از آن‌ها در برابر اظهارنظرها، قضاوت‌ها و برچسب‌زنی‌ها که ممکن است تأثیر قابل‌توجهی در آینده آن‌ها داشته باشد محافظت می‌کند، مقرر داشتند: «هر زمان محاکم ملی تشخیص دهند که تشکیل پرونده قضایی علیه یک کودک یا نوجوان ضروری است، ماهیت علنی بودن دادرسی باید به‌صورت سخت‌گیرانه‌ای کنترل شود» (IACtHR, *The Juvenile Re-education Institute v. Paraguay*, 2004: Para.11).

در خصوص نقض اصل غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان در کشورهای عضو کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اطلاعاتی که در اختیار دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر قرار گرفته است نشان می‌دهد به‌رغم تأکید نظام بین‌المللی حقوق بشر بر برگزاری غیرعلنی جلسات دادرسی کودکان و نوجوانان، گاهی دیده شده است که در



برخی کشورها، قضات این اختیار را دارند که تصمیم بگیرید آیا رسانه‌ها یا اشخاص ثالث می‌توانند در جلسه دادرسی حضور داشته باشند یا خیر؛ و در برخی کشورها نیز هیچ تضمینی برای غیرعلنی بودن دادرسی در دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان وجود ندارد و جز در موارد خاص -مانند رسیدگی به جرائم جنسی- افراد اجازه ورود به دادگاه‌ها را دارند و رسانه‌ها می‌توانند تصاویر مربوط به جلسه دادرسی نوجوانان را منتشر نمایند (87: IACtHR, Second Report, 1993). این مسئله بارها مورد انتقاد شدید دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر قرار گرفته است؛ به طوری که در سال ۲۰۱۱، در حالی که عملکرد دادگاه عالی آرژانتین در قضیه آرگوتلس و دیگران را به دلیل اینکه تمامی مراحل دادرسی متهمان بزرگسال به طور غیرعلنی و بدون حضور عموم مردم در جلسه دادگاه صورت پذیرفت، ناقض حق دادرسی منصفانه دانست (IACtHR, Argüelles et al v. Argentina, 2011: Para.9). لیکن در همان سال، قضات سن‌خوزه با الگو گرفتن از مقررات پیمان‌نامه حقوق کودک و در راستای اجرای حکم مندرج در بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مبنی بر حمایت از منافع عدالت، برگزاری علنی دادرسی کودکان و نوجوانان را به‌عنوان عنصر تضییع‌کننده حقوق متهم شناسایی کرده و نتیجه گرفتند که در چنین شرایطی، نظام عدالت علنی نمی‌تواند اهداف اصول دادرسی منصفانه ویژه کودکان و نوجوانان را تضمین کند و بدین ترتیب، منافع عدالت دچار خدشه می‌گردد (IACtHR, Report on Juvenile Justice, 2011, Para.157).

باین‌حال، به‌رغم ترسیم الگوها و استانداردهایی در زمینه تحقق افتراقی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان و حمایت مؤثر قضایی از حق محاکمه منصفانه این قشر از متهمان و مؤلفه‌های آن در نظام آمریکایی حقوق بشر و همچنین پذیرش اقتضای منافع کودک یا نوجوان به‌عنوان یکی از جهات قانونی محرومیت مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسات دادرسی از سوی دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر، افزایش نرخ جرائم این قشر در سال‌های اخیر همراه با پوشش رسانه‌ای گسترده جرائم خشونت-آمیز توسط آن‌ها، این تصور عمومی را ایجاد کرده است که نسبت به امنیت اجتماع،



تعرّض و تهدید صورت گرفته است. این تصوّر نه تنها نظام آمریکایی حقوق بشر را همانند نظام اروپایی به تعقیب بیشتر کودکان و نوجوانان همچون بزرگسالان سوق داده است، بلکه با فاصله گرفتن از الگوی رفاه‌گرایی کیفری^۱، دسترسی به دادرسی و پرونده‌های مربوط به آن‌ها در محاکم ملّی را نیز برای عموم و رسانه‌ها آزادتر از قبل کرده است (Engstrom, 2019: 152).

۳-۳. کمیته حقوق کودک

کمیته حقوق کودک که به‌عنوان یک نهاد نظارتی در راستای اجرای مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک شناخته می‌شود، به اصول راهبردی و قواعدی توجه می‌کند که باید همراه با مقررات این پیمان‌نامه در مورد عدالت کیفری کودکان و نوجوانان اتخاذ گردد. بر این اساس، شکایاتی که علیه کشورها مبنی بر عدم اجرای مقررات پیمان‌نامه حقوق کودک صورت می‌پذیرد، به کمیته حقوق کودک تسلیم می‌شود.

این کمیته با تأسی از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۳۲} و تبعیت از حکم بند ۱ ماده ۱۴ آن^۳ و همچنین با استناد به حقّ حریم خصوصی مندرج در ماده ۱۶ پیمان‌نامه حقوق کودک^۴، اقتضای منافع کودکان و نوجوانان را یکی از استثنائات قانونی

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص الگوی رفاه‌گرایی کیفری، نگاه کنید به: (غلامی، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۸۹).

2. International Covenant on Civil and Political Rights (1966)

۳. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که تا حد زیادی در بردارنده مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد، معاهده‌ای بین‌المللی است که برای کشورهای امضاکننده الزام‌آور می‌باشد. دولت ایران نیز در سال ۱۳۵۴ به این میثاق ملحق گردیده و بدین ترتیب، بر اساس ماده ۹ قانون مدنی، مقررات آن به‌عنوان یک قانون مستقل و صلاحیت‌دار، به‌طور مستقیم در دادگاه‌های ایران قابل اجراست.

۴. بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تحت‌عنوان حقّ بر دادرسی منصفانه، در حکمی مشابه با بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ابتدا حقّ متهم بر علنی بودن محاکمه را به روشنی بیان نموده و در ادامه، امکان محدودکردن آن حقوق را تحت شرایطی پیش‌بینی کرده است که یکی از مصادیق این استثنا، اقتضای منافع کودکان و نوجوانان در مواجهه با نظام عدالت کیفری می‌باشد.

۵. هیچ کودکی نباید در معرض دخالت‌های خودسرانه و غیرقانونی در حریم خصوصی مربوط به خانواده، خانه یا مکاتباتش قرار بگیرد و یا مورد تعدّی غیرقانونی بر عزت و شرافتش واقع شود.



اصل علنی بودن دادرسی معرفی نموده و به محاکم ملّی این اختیار را داده است که در این خصوص، ورود عموم مردم و رسانه‌ها به محل تشکیل جلسات دادگاه را در تمام مدت رسیدگی یا بخشی از آن، ممنوع نمایند. در این خصوص، کمیته در تفسیر عمومی شماره ۱۲ مقرر نموده است که: «جلسات دادرسی کودکان معارض با قانون باید به صورت غیرعلنی و پشت درهای بسته انجام شود. استثنائات این قاعده باید بسیار محدود باشد و به وضوح در قوانین داخلی بیان گردد و بر اساس منافع کودک تنظیم شود» (CRC, General Comment No.12, 2009: Para.61). همچنین در تفسیر عمومی شماره ۲۴ نیز ضمن تصریح به این موضوع، تأکید نموده است که حق حریم خصوصی نه تنها مستلزم برگزاری غیرعلنی جلسه دادرسی است، بلکه مقتضی این موضوع است که کلیه افراد دخیل در پرونده و اشخاصی که در اجرای اقدامات دادگاه یا یک مرجع صالح دیگر مشارکت دارند، باید کلیه اطلاعاتی را که ممکن است منجر به شناسایی کودک شود، محرمانه نگه دارند (CRC, General Comment No.24, 2019: Para.67). در این زمینه، کمیته موارد زیر را در نظر داشته است: هرگونه اطلاعاتی که ممکن است منجر به شناسایی کودک بزهکار شود، نباید منتشر گردد؛ زیرا اثرات برچسب‌زنی و بدنامی ناشی از آن، ممکن است بر توانایی کودک در دسترسی به تحصیل، کار، مسکن و یا ایمن بودن او تأثیر بگذارد. این بدان معناست که دستگاه قضایی ملّی باید نسبت به انتشار خبرهای رسانه‌ای مربوط به جرائمی که گفته می‌شود توسط کودکان ارتکاب یافته است، امتناع ورزد و آن را به موارد بسیار استثنایی محدود نماید. محاکم ملّی باید تدابیر و اقداماتی را اتخاذ کنند که تضمین نماید کودکان و نوجوانان معارض با قانون از طریق خبرهای رسانه‌ای و مطبوعاتی، قابل شناسایی نیستند. اصحاب رسانه و روزنامه‌نگارانی که حق حریم خصوصی این کودکان را نقض می‌کنند، باید با مجازات انتظامی و در صورت لزوم -مثلاً در صورت تکرار مجدد جرم- با مجازات‌های کیفری عقاب شوند (CRC, General Comment No.24, 2019: Para.70). در همین رابطه، کمیته حقوق کودک در گزارشی که می‌توان آن را یکی از گام‌های مؤثر و سازنده ارکان



دادرسی منصفانه کودکان و نوجوانان دانست، از دولت کلمبیا در خصوص عدم وجود سازوکار روشن در مورد حذف نام و مشخصات فردی متهمان یا محکومان زیر سن هجده سال که در سیستم قضایی این کشور ثبت شده است، انتقاد کرد؛ زیرا در کلمبیا، مقامات قضایی به طور معمول تصاویر کودکان و نوجوانان دستگیرشده را در رسانه‌ها منتشر می‌کنند و از این طریق حق آن‌ها را برای حفظ حریم خصوصی و فرض برائت نقض می‌نمایند: (CRC, Reports Submitted by States Parties, 2006: Paras.92-95).

موضوع مهمی که باید بدان اشاره نمود این است که برخلاف تغییر رویکردی که نظام اروپایی و آمریکایی حقوق بشر در سال‌های اخیر در رویه قضایی خود اعمال نمودند و امکان برگزاری علنی جلسات دادرسی کودکان و نوجوانان را با وجود برخی شرایط پذیرفتند، کمیته حقوق کودک به‌عنوان یکی از نهادهای مؤثر و الهام‌بخش سیاست جنایی کودکان و نوجوانان در عرصه بین‌المللی، با توسل به الگوی رفاه‌گرایی کیفری و با عنایت به اینکه کودکان و نوجوانان معارض با قانون در مرحله رشد و یادگیری قرار دارند و نوع تدابیر و اقدام‌های عدالت کیفری نسبت به این دسته می‌تواند به سوگیری درست یا نادرست رفتاری آن‌ها بینجامد (نیازپور، ۱۴۰۱: ۱۳)، همچنان بر این عقیده می‌باشد که در صورت محاکمه متهم کودک یا نوجوان - حتی در دادگاه عالی ویژه بزرگسالان - اصل بر محرومیت افراد از حضور در دادگاه و برگزاری غیرعلنی دادرسی است؛ لیکن در مواردی که جرم ارتكابی از سوی کودکان و نوجوانان به دلیل خشونت‌آمیز و پر اهمیت بودن، سبب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی می‌شود، صرفاً اصحاب رسانه با سازوکارهای خاص و محدودیت در گزارش روند دادرسی، حق ورود به جلسه را دارند.^۱ در چنین مواردی، قاضی دادگاه باید با در نظر گرفتن

۱. ناگفته پیداست که صرفاً اعمال برخی سختگیری‌ها در فرایند دادرسی نمی‌تواند در پیشگیری و کنترل رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان مؤثر باشد. در راستای جلوگیری از این امر، پیشگیری رشدمدار - که پیشگیری



برخی شرایط، دستورات زیر را صادر نماید: (۱) هیچ‌یک از گزارش‌های رسانه‌ای از روند دادرسی نباید تصویر، نام، نشانی منزل یا مدرسه متهم کودک یا نوجوان را فاش نمایند، یا شامل مشخصات ویژه‌ای باشند که شناسایی آن‌ها را به سهولت فراهم می‌آورد؛ (۲) پس از صدور حکم قطعی و انتشار آن، نباید هیچ تصویری از چهره آن‌ها در هنگام دادرسی، در رسانه‌ها منتشر شود (Vandenhoele and Others, 2021: 382).

در پایان این مبحث، لازم است به رویکرد نظام دادرسی کیفری ایران نسبت به این موضوع اشاره شود. به‌رغم تأکید صریح بر غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان در ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری سابق ایران، در سال ۱۳۹۲ رویکرد قانون‌گذار -احتمالاً به تبعیت از تغییر رویکرد در نظام بین‌المللی حقوق بشر- تغییری مشهود یافت؛ به نحوی که علاوه بر عدم تصریح به غیرعلنی بودن این‌گونه دادرسی‌ها، با افزودن عبارت «... حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است» به ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مطلق بودن دادرسی غیرعلنی کودکان و نوجوانان را خدشه‌دار نمود. اگرچه برخی از حقوقدان‌ها، اطلاق ذیل ماده ۴۱۳ را برخلاف موازین دادرسی کودکان و نوجوانان می‌دانند (مؤذن‌زادگان، ۱۴۰۲: ۲۴۶) اما به نظر می‌رسد با عنایت به مفهوم مخالف صدر ماده مزبور -که افراد مجاز به حضور در جلسات محاکمه اطفال و نوجوانان را برشمرده است- باید گفت در دادگاه اطفال و نوجوانان اصل بر رسیدگی غیرعلنی است و حضور اشخاصی غیر از «والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی» در جلسه رسیدگی، منوط به اخذ موافقت دادگاه خواهد بود. ضمن اینکه حسب یکی از

زودهنگام نیز نام دارد (نیازپور، ۱۳۹۲: ۲۵۷) -توصیه می‌شود؛ زیرا پیشگیری رشدمدار، برنامه‌های خویش را با هدف مداخله در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان بزهکار یا در معرض بزهکاری و به منظور پیشگیری از مزمن و تکراری شدن بزهکاری آنان در دوران بزرگسالی، ترتیب می‌دهد. برای مطالعه بیشتر در خصوص پیشگیری رشدمدار؛ نگاه کنید به: (فارینگتون و ولش، ۱۴۰۰).



موارد مذکور در ماده ۱۳ «آئین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضائیه» مصوب ۱۳۸۶/۸/۱۴، هرگونه اطلاع‌رسانی اعم از مصاحبه، افشاء، انتشار اخبار و صدور اطلاعیه در جریان رسیدگی به جرائم اطفال و یا فیلم‌برداری و تهیه عکس و افشای هویت طفل متهم ممنوع اعلام شده است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که به‌رغم اعطای اختیار به دادگاه اطفال و نوجوانان برای تجویز ورود برخی افراد به جلسات رسیدگی، غیرعلنی بودن دادرسی اطفال و نوجوانان در نظام دادرسی کیفری ایران - حداقل به‌صورت ضمنی - پذیرفته شده است. همچنین شایان ذکر است که قانون‌گذار در ماده ۳۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، پا فراتر گذاشته و حتی حضور افراد کمتر از هجده سال به عنوان تماشاگر در محاکمات کیفری را نیز با محدودیت مواجه ساخته است. با توجه به فلسفه وضع این ماده، به نظر می‌رسد که چنانچه مطالب جلسه علنی از طریق بلندگو در خارج از جلسه دادگاه قابل استماع باشد و یا به علت محدودیت ظرفیت شعبه دادگاه، جهت استفاده سایر تماشاچیان از تلویزیون مداربسته برای خارج از مکان جلسه استفاده شود، ممنوعیت حضور افراد کمتر از هجده سال، به این مکان‌ها نیز تسری پیدا کند. البته ناگفته پیداست که عبارت «به عنوان تماشاگر»، به این معناست که افراد کمتر از هجده سال می‌توانند به عنوان مطلع، شاهد یا شاکی در محاکمات کیفری حضور یابند. بر این اساس به طریق اولی، دادگاه‌های اطفال و نوجوان نیز می‌توانند مستند به ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، افراد زیر هجده سالی که می‌توانند در جریان دادرسی تأثیر داشته باشند را به جلسه محاکمه احضار نمایند.

۴. استثناء واقع‌شدن والدین از قاعده غیرعلنی بودن دادرسی

با توجه به حساس‌بودن و پیچیدگی نظام دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، حضور والدین یا سرپرستان قانونی در جلسه رسیدگی، نه‌تنها منافاتی با رعایت قاعده غیرعلنی بودن دادرسی ندارد بلکه به نفع متهم بوده و در چهارچوب اصول دادرسی منصفانه ویژه کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد. تجویز مشارکت والدین و سرپرستان قانونی در دادرسی بر پایه حمایت عاطفی و روحی از کودکان و نوجوانان توجیه‌پذیر



است؛ زیرا با حضور والدین در طول جلسه دادرسی، کودک و نوجوان احساس راحتی و حمایت بیشتری خواهد داشت. فراتر از آن، مشارکت «فعال» والدین در دادرسی کیفری می‌تواند زمینه را برای افزایش مشارکت کودک و نوجوان نیز فراهم کند. به‌علاوه، دادگاه می‌تواند با بهره‌گیری از حضور والدین، فضای دادرسی کیفری را به فضایی غیررسمی و تعاملی سوق داده و به‌تبع آن، تصمیم خود را به مصلحت کودک یا نوجوان و اهداف دادرسی منصفانه نزدیک‌تر سازد. بر این اساس، حتی توصیه شده است که والدین در ردیف نخست سالن دادگاه و در کنار کودک یا نوجوان بنشینند و دادگاه نیز به آنان فرصت دهد تا در ارتباط با بزهکاری فرزند خود و وضعیت کنونی وی، اظهار نظر نمایند. به این ترتیب، می‌توان از ظهور «عدالت خانواده‌مدار» و کاربست «دادرسی خانواده‌مدار» سخن راند. از طرفی نیز، با توجه به تأکید تدابیر حمایتی پیشگیری رشدمدار بر خانواده و تأثیر قابل‌توجه این رویکرد بر پیشگیری از بزهکاری و مزمن‌شدن آن در کودکان و نوجوانان معارض با قانون، حضور والدین یا سرپرستان قانونی در مرحله پاسخگویی، نه‌تنها گویای رویکرد رشدمدار حاکم بر نظام دادرسی کودکان و نوجوانان بوده، بلکه از این حیث اسباب تأثیرگذاری قابل‌توجه پاسخ‌های دستگاه قضایی را فراهم می‌آورد؛ همچنان‌که حضور و دخالت خانواده در دادرسی‌های کودکان و نوجوانان به‌عنوان یک پاسخ، زمینه‌ساز اجرای اصل مشارکتی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان می‌گردد که خود یکی از جنبه‌های مهم نظام عدالت افتراقی را تشکیل می‌دهد.

در این رابطه، دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر در یک نظریه مشورتی خاطرنشان کرد که: «در دادرسی‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان و افراد زیر سن قانونی که علنی بودن دادگاه ممکن است زندگی آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار دهد، تعیین محدودیت برای حضور افراد در جلسه دادرسی، شامل حق حضور والدین یا سرپرستان قانونی کودک یا نوجوان نمی‌گردد» (IACtHR, Advisory Opinion, 2002: Para.134). این دادگاه همچنین در یکی از پرونده‌های تحت رسیدگی خود تأکید نمود که محاکم ملی هنگام



رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان، باید زمان و مکان دادرسی را به والدین متهم یا سرپرست قانونی وی اطلاع دهند تا بتوانند در جلسه دادرسی حاضر شوند (IACtHR, Bulacio v. Argentina, 2003: Para.130). در همین راستا، بند ۳ از قسمت «ب» ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک مقرر می‌دارد: «رسیدگی به اتهام کودک باید در یک دادرسی منصفانه با حضور والدین یا سرپرستان قانونی او صورت پذیرد». کمیته حقوق کودک نیز ضمن توصیه به دولت‌ها مبنی بر اینکه باید به‌صراحت در قوانین داخلی، حداکثر مشارکت ممکن از سوی والدین یا سرپرستان قانونی در دادرسی علیه کودک را پیش‌بینی کنند، اظهار داشته است که والدین یا سرپرستان قانونی باید در طول جریان رسیدگی -به‌ویژه در جلسه دادرسی- حضور مستمر داشته باشند (CRC, General Comment No.24, 2019: Para.57). بند ۲ قاعده ۱۵ از قواعد پکن در این خصوص، علاوه بر اینکه حق حضور والدین یا سرپرستان قانونی کودک یا نوجوان در جلسات دادرسی را به رسمیت شناخته است، پذیرفته است که در برخی موارد و در جهت مصالح این قشر از متهمان، ممکن است والدین یا سرپرستان توسط مرجع ذی-صلاح ملزم به حضور در دادرسی گردند.

علت چنین احکامی را باید «حق کودک بر شنیده‌شدن» در پیمان‌نامه حقوق کودک دانست؛ زیرا انتظار شنیدن آزادانه دیدگاه‌ها و نظرات کودکان و نوجوانان بدون کمک والدین یا سرپرستان آن‌ها دشوار است. بر این اساس، مشارکت این افراد بر مبنای ماده ۱۲ پیمان‌نامه حقوق کودک نیز الزامی است که بر عهده کشورهای عضو می‌باشد. حضور والدین یا سرپرستان قانونی در جلسه دادرسی کودکان و نوجوانان،

۱. ماده ۱۲ این پیمان‌نامه در مورد حق شنیده شدن مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که کودکی که قادر به شکل دادن دیدگاه خود می‌باشد، حق ابراز آزادانه این عقاید را در کلیه اموری که به وی مربوط می‌شود داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک، به نظرات وی اهمیت لازم داده شود. به این منظور باید به‌ویژه برای کودک فرصتی فراهم شود تا بتواند در کلیه مراحل رسیدگی قضایی و اجرایی مربوط به خود مستقیماً یا از طریق یک نماینده یا مرجع مناسب، به روشی منطبق با مقررات آیین دادرسی در قوانین داخلی، اظهارنظر نماید».



مستلزم دعوت به حضور و اطلاع آن‌ها از مکان و زمان برگزاری جلسه دادرسی و امکان حضور در محل تشکیل جلسه است. در این راستا، جهت دستیابی عملی و مؤثر والدین یا سرپرستان قانونی به جلسه دادرسی، محلی که جلسه دادگاه به منظور رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان در آن برگزار می‌شود باید به نحوی باشد که والدین بتوانند به سهولت به آن دسترسی داشته باشند. مثلاً تشکیل دادگاه در یک مکان خارج از شهر، نمی‌تواند مکانی متعارف برای تشکیل جلسه دادرسی باشد. ضمن اینکه زمان‌بندی و ساعت برگزاری دادرسی‌ها نیز باید طوری باشد که باعث ایجاد مشقت برای والدین یا سرپرستان نشود و آن‌ها بتوانند به موقع خود را به دادگاه برسانند. برای مثال، برگزاری دادگاه در آخر هفته یا در ساعات پایانی شب و حتی صبح خیلی زود، باعث می‌گردد که همچنان بسیاری از نگرانی‌های مربوط به حق حضور والدین و عدم توانایی آن‌ها جهت حضور در سالن دادگاه، پابرجا بماند. همچنین تغییر مکان جلسه دادرسی و صدور احضاریه تنها چند روز قبل از آغاز رسیدگی، نقض حق والدین و سرپرستان قانونی برای حضور در دادرسی کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. به‌رغم اهمیت حضور والدین یا سرپرستان قانونی در جلسه دادرسی، نباید این حق را مطلق پنداشت؛ چنانچه دلایلی وجود داشته باشد که حضور آن‌ها در فرایند دادرسی، برخلاف منافع عالیّه متهم یا محل روند رسیدگی باشد، از حضور آن‌ها ممانعت به عمل خواهد آمد. کمیته حقوق کودک در این رابطه مقرر می‌دارد: «... قاضی یا مقام صلاحیت- دار می‌تواند بنا به درخواست کودک یا وکیل وی، و یا به دلیل اینکه حضور والدین و سرپرستان قانونی دارای آثار منفی بوده و به صلاح کودک نیست -مانند اینکه برخورد خصومت‌آمیز و فیزیکی نسبت به کودک نشان دهند- تصمیم بگیرد که آن‌ها را از مشارکت در فرایند دادرسی محروم کند یا حضور آن‌ها در جلسات رسیدگی را محدود نماید» (CRC, General Comment No.24, 2019: Para.56). به‌علاوه در فرض مشارکت یا معاونت والدین در جرم ارتكابی نیز، دادگاه باید از شخص بزرگسال دیگری که از طریق متهم معرفی شده است، برای شرکت در جلسه دادرسی دعوت نمایند و در



مواردی که متهم، شخص بزرگسال مناسب دیگری را معرفی نکرده باشد یا شخصی که توسط وی معرفی شده است مورد قبول مقام صلاحیت‌دار نباشد، مقامات صلاحیت‌دار باید با در نظر گرفتن منافع متهم، شخص بزرگسال دیگری را برای همراهی او تعیین کنند (Directive EU, 2016: Recital 58 and Article 15.2.C).

نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که برخلاف قواعد و اصول حاکم بر وکالت در محاکم - که به صرف حضور وکیل و دفاع از طریق وی حتی در غیاب کودک یا نوجوان، اصولاً دادرسی، حضوری محسوب می‌گردد - صرف حضور والدین یا سرپرستان قانونی در دادگاه بدون مشارکت وکیل، کفایت نمی‌کند؛ بلکه برای حضوری محسوب شدن دادرسی در غیاب متهم، اصولاً حضور وکیل وی در جلسات دادرسی ضرورت دارد؛ زیرا گرچه حضور والدین یا سرپرستان قانونی می‌تواند به کودکان و نوجوانان کمک کند، اما نه ایشان و نه فرد بزرگسال دیگر به انتخاب متهم، هیچ‌کدام نمی‌توانند جانشین مناسبی برای یک وکیل آموزش‌دیده باشند و حضور آنها صرفاً جنبه حمایت عاطفی دارد نه حمایت حقوقی.

در نظام حقوقی ایران نیز قانون‌گذار به صراحت در ماده ۳۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، بر حق حضور والدین و اولیای قانونی در جلسات دادرسی و همچنین اخذ نظرات مشورتی و پیشنهادهای حمایتی آنان در خصوص طفل و نوجوان، تأکید داشته است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به‌کرات مواردی ملاحظه می‌شود که نشان می‌دهد قانون‌گذار در راستای یک سیاست افتراقی و خانواده‌مدار گام برداشته و در تلاش است تا مصالح عالیه اطفال و نوجوانان از طریق حفظ پیوند عاطفی آنان با خانواده‌شان تأمین گردد. به این منظور، به شیوه‌های مختلف، خانواده را در فرآیند دادرسی مشارکت داده است؛ به این صورت که: نخست، ابلاغ وقت رسیدگی و آراء و تصمیمات دادگاه را به والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی متهم الزامی دانسته است (ماده ۴۱۲ و ماده ۴۱۷ ق.آ.د.ک)؛ دوم، یکی از شرایط دادرسی فوری را حضور والدین یا سرپرست قانونی متهم قرار داده است (تبصره ۲ ماده ۴۱۲



ق.آ.د.ک)؛ سوم، به والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی طفل یا نوجوان اجازه داده است تا در زمان رسیدگی دادگاه حضور داشته باشند (ماده ۴۱۳ ق.آ.د.ک)؛ چهارم، مقام قضایی را مکلف کرده است تا به ولی یا سرپرست طفل یا نوجوان ابلاغ کند که برای متهم وکیل تعیین کند (ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک)؛ پنجم، با تمهید دفاع خانوادگی، به ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان این اختیار را داده است که در جرائم خرد و سبک (جرائم تعزیری درجه هفت و هشت)، شخصاً از متهم دفاع کنند (ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک)؛ ششم، به والدین، اولیاء و سرپرست قانونی طفل یا نوجوان اجازه ارائه نظر مشورتی و پیشنهادهای حمایتی از متهم را داده است (ماده ۳۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)؛ هفتم، به ولی یا سرپرست قانونی متهم، این حق را داده است که به آراء و تصمیمات دادرسی یا دادگاه اعتراض کنند (ماده ۴۴۷ ق.آ.د.ک). این موازین نشان می‌دهد در دیدگاه قانون‌گذار ایران، مشارکت خانواده در دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا در حوزه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان، عدالت بدون خانواده، اساساً دیگر به این مفهوم دلالت نخواهد کرد. به این ترتیب می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که قانون‌گذار از رهگذر این موضوع، کاملاً مقارن و هم‌جهت با معیارها و استانداردهای بین‌المللی -به‌ویژه پیمان‌نامه حقوق کودک- گام برداشته و درصدد تضمین حقوق اطفال و نوجوانان و حمایت بیشینه از آنان در فرآیند کیفری برآمده است. البته شایان ذکر است که هرچند در هیچ‌یک از مواد مزبور تصریح نشده است که چنانچه «رعایت اصل منافع عالیه طفل یا نوجوان» در فرآیند دادرسی اقتضا کند، دادرسی دادگاه می‌تواند وقت رسیدگی را برای حضور در جلسه به ولی یا سرپرست قانونی او ابلاغ نکند و یا مانع حضور آن‌ها در جلسه شود، با این حال با توجه به جایگاه اصل مزبور در فرآیند دادرسی و نظر به حکم کلی ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱-که مقرر می‌دارد: رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است- این حق برای دادگاه محفوظ می‌باشد.



۵. سازوکار اعلان و انتشار احکام کیفری کودکان و نوجوانان

همان‌گونه که دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز اعلام نموده است، در پرتو مقررات عام کیفری، اصل علنی بودن فرایند دادرسی دو جنبه را در بر می‌گیرد: «برگزاری جلسات رسیدگی به‌صورت علنی» و «علنی بودن احکام» (ECtHR, Tierce and Others v. San Marino, 2000: Para.93). در این بین، به‌رغم تعدیل اصل مزبور در نظام دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان از طریق برگزاری غیرعلنی جلسات رسیدگی به اتهام آن‌ها، نظام بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته است که نظارت عمومی بر منصفانه‌بودن تصمیمات اتّخاذه از سوی دادگاه‌های کودکان و نوجوانان نیز همانند بزرگسالان، مستلزم علنی بودن احکام صادره و در دسترس بودن آن برای عموم می‌باشد (Bosland and Gill, 2014: 486). با این حال، موضوع مهمی که باید بدان توجه نمود این است که به‌عنوان قاعده‌ای کلی، حکم زمانی علنی محسوب می‌شود که یا در جلسه دادگاهی که برای حضور عموم آزاد است به‌صورت شفاهی اعلام و قرائت شود، یا پس از صدور فوراً به‌صورت کتبی منتشر گردد و در دسترس عموم قرار گیرد، و یا با ترکیبی از این دو روش، علنی شده باشد (Clooney and Webb, 2022: 128). با توجه به این موضوع، از آنجا که در هر پرونده، شکل علنی کردن حکم و نحوه انتشار آن باید با توجه به ویژگی‌های خاص دادرسی مربوطه، مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد و نظر به اینکه جلسه دادرسی کودکان و نوجوانان به‌صورت غیرعلنی برگزار می‌گردد، از این رو تنها راه علنی بودن احکام کیفری کودکان و نوجوانان، صرفاً در دسترس بودن حکم برای عموم از طریق ثبت در دفتر بایگانی دادگاه یا انتشار آن در نهادهای رسمی و رسانه‌های گروهی می‌باشد؛ بنابراین، آنچه که عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای برای علنی محسوب‌شدن حکم صادره از سوی دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان تلقی می‌گردد، دسترس‌پذیری مفاد آن برای عموم شهروندان است. البته در راستای حمایت از حریم



خصوصی کودکان و نوجوانان، رعایت اصل گمنامی^۱ در زمان انتشار حکم، نباید نادیده گرفته شود.

با مذاقه در اسناد حقوق بشری، مشخص می‌گردد که این اسناد در خصوص نحوه اعلان حکم کیفری کودکان و نوجوانان و انتشار آن، مواضع یکسانی اتخاذ نکرده‌اند. در حالی که بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ضمن بیان شرط علنی بودن احکام صادره، استثنائاتی را بر آن وارد می‌کند که یکی از این موضوعات، مصلحت کودکان و نوجوانان می‌باشد، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حق مطلق را در این زمینه مقرر می‌کند و بدون پذیرش هیچ نوع استثنا و محدودیتی، بر لزوم علنی بودن حکم و انتشار آن حتی در صورت علنی نبودن جلسه رسیدگی تأکید کرده است. با این حال، رعایت مصلحت کودکان و نوجوانان در زمان اعلان و انتشار حکم کیفری - به‌ویژه رعایت اصل گمنامی - مورد تأکید نظام اروپایی حقوق بشر می‌باشد. در این راستا - همان‌طور که در مباحث پیشین آمد - دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص سازوکارهای مربوط به فرایند دادرسی کودکان و نوجوانان، به مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک و قواعد پکن پایبند بوده است و با توجه به اینکه یکی از حداقل ضمانت‌های ارائه‌شده در قسمت ۷ شق «ب» از بند ۲ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک این است که در طول تمام مراحل دادرسی - حتی به هنگام اعلان حکم و انتشار آن - محرمانه بودن کامل هویت کودکان و نوجوانان، امری لازم است و باید کاملاً به حریم خصوصی آن‌ها احترام گذاشته شود؛ از این رو نظام اروپایی حقوق بشر نیز این موضوع را مورد توجه قرار داده است.

کمیته حقوق کودک نیز در راستای تحقق حکم این پیمان‌نامه، به صراحت مقرر می‌دارد که: «... حکم باید به گونه‌ای علنی شود و انتشار یابد که هویت کودک فاش نگردد» (CRC, General Comment No.24, 2019: Para.67). در این خصوص، «دستورالعمل

1. Principles of Anonymity



پارلمان و شورای اتحادیه اروپا در مورد تضمین‌های رویه‌ای برای کودکان مظنون یا متهم در دادرسی کیفری»، محاکم ملّی را ملزم کرده است که در هنگام اعلان حکم و انتشار آن، اقدامات لازم را برای اطمینان از عدم افشای سوابق کودک که در مرحله بازجویی و تحقیقات مقدماتی به دست آمده است، اتخاذ کنند (Directive EU, 2016, Article 14.3). قاعده ۸ از قواعد پکن نیز بر اهمیت حفاظت از حریم خصوصی نوجوان از ابتدای مظنون واقع شدن تا زمان اجرای حکم تأکید می‌نماید؛ بر اساس این ماده: «۱- به منظور اجتناب از ورود صدمه به نوجوان از طریق آگاهی عموم مردم و فرایند بدنامی ناشی از آن، حفظ حریم خصوصی نوجوان باید در کلیه مراحل دادرسی -از جمله اعلان و انتشار حکم- محترم شمرده شود؛ ۲- اصولاً هیچ‌گونه اطلاعاتی که ممکن است منجر به تشخیص هویت و شناسایی نوجوان بزهکار شود، نباید منتشر گردد».

برخلاف اسناد مزبور، در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هیچ سخنی از لزوم علنی بودن حکم کیفری کودکان و نوجوانان و سازوکار مربوط به آن به میان نیامده است. با این حال، دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر در یکی از پرونده‌های تحت رسیدگی خود، این موضوع را جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی منصفانه دانست و متذکر گردید که برخلاف مرحله رسیدگی در دادگاه که مصلحت کودکان و نوجوانان مقتضی برگزاری غیرعلنی جلسه دادرسی می‌باشد، عدم علنی بودن حکم از سوی دادگاه‌های ویژه کودکان و نوجوانان، موجب نقض حقوق مندرج در ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر خواهد شد (IACtHR, Asto and Rojas v. Peru, 2005: Para.155). البته از آنجا که نظام آمریکایی حقوق بشر در خصوص مؤلفه‌ها و الزامات دادرسی منصفانه، علاوه بر حقوق مندرج در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، به مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز نگاه ویژه‌ای دارد و به آن استناد می‌نماید، لذا محدودیت‌های ذکرشده در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق برای علنی بودن احکام، در نظام آمریکایی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته است و همین امر سبب گردیده که دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر به رعایت حریم خصوصی کودکان و نوجوانان در زمان اعلان و انتشار حکم نیز



توجه کند و محاکم کشورهای متعاقد را ملزم نماید که از افشای هویت نوجوانان در حکم منتشرشده، خودداری کنند (Micus, 2015: 85). چنین رویکرد دوگانه‌ای از سوی کمیته حقوق بشر نیز صورت گرفته است. این کمیته در تفسیر عمومی شماره ۳۲ خود به‌طور مطلق اعلام نموده است که حکم دادرسی‌های کیفری باید منتشر شود و در دسترس شهروندان قرار گیرد. حتی در مواردی که به‌طور قانونی عموم مردم از حضور در جلسه دادرسی محروم شده باشند، حکم صادره به همراه یافته‌های اساسی، ادله و شواهد اصلی مورد استناد و استدلال‌های قانونی، باید به‌صورت علنی اعلام شود (HRC, General Comment No 32, 2007: Para.29). لیکن مطالعه رویه کمیته حقوق بشر حاکی از آن است که این نهاد نیز در راستای اعمال قیود مندرج در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در مورد برخی از پرونده‌های خاص از جمله مواردی که مصلحت کودکان و نوجوانان اقتضای خلاف آن را نماید، علنی بودن حکم را دارای محدودیت دانسته است و انتشار آن از سوی رسانه‌ها را در صورتی مجاز می‌داند که تصویر یا اطلاعاتی که ممکن است منجر به شناسایی کودک یا نوجوان معارض با قانون شود، منتشر نگردد (Schabas, 2019: 146).

در مجموع، بر اساس تفسیر صورت‌گرفته از مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک و قواعد پکن و همچنین رویه مراجع قضایی و نظارتی حقوق بشری، می‌توان اذعان نمود که از منظر موازین بین‌المللی، اصل بر علنی بودن حکم صادره از سوی دادگاه‌های ویژه کودکان و نوجوانان همراه با رعایت اصل گمنامی است؛ به عبارت دیگر در انتشار دادنامه و یا گزارش رسانه‌ها از آن، سازوکار مربوط به حفظ حریم خصوصی کودکان و نوجوانان باید در نظر گرفته شود و بدین‌ترتیب، انتشار اطلاعاتی که منجر به شناسایی کودک یا نوجوان معارض با قانون می‌شود و تشخیص هویت وی را برای دیگران ممکن می‌سازد، ممنوع می‌باشد.

نظام دادرسی کیفری ایران موضع چندان روشنی در خصوص انتشار عمومی آرای دادگاه‌های اطفال و نوجوانان ندارد. اگرچه ماده ۵ «دستورالعمل نحوه انتشار احکام



دادگاه‌ها و برگزاری دادگاه علنی مصوب ۱۴۰۰^۱، بر انتشار کلیه آرای دادگاه‌ها با رعایت گمنامی اصحاب دعوا و حفظ حریم خصوصی اشخاص تأکید دارد، لیکن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان مهم‌ترین قانون کیفری در این زمینه، هیچ مقرره‌ای در بر ندارد که به تجویز، الزام و یا ممنوعیت انتشار آرای دادگاه‌های کیفری به‌طور عام و یا دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان به نحو خاص بپردازد. الزام قانونی موضوع ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن نیز، اول اینکه ناظر بر انتشار احکام محکومیت قطعی است و سایر آرای قضایی را در بر نمی‌گیرد و دوم، دامنه موضوعی این الزام نیز محدود به جرائم مصرح است. مهم‌ترین ظرفیت قانونی که در این زمینه قابل بهره‌برداری است، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ است که اگرچه به لزوم انتشار آرای دادگاه‌ها و امکان دسترسی عمومی به آن تصریحی ندارد اما از برخی مواد قانون مذکور، حق دسترسی آزاد به آرا مستفاد می‌گردد. در این راستا، با توجه به حکومت اصل دسترسی آزاد به اطلاعات موضوع ماده ۲ قانون یادشده و اصل لزوم انتشار اطلاعات موضوع ماده ۵ آن قانون و عدم تخصیص آن در مورد آرای قضایی، باید گفت قانون مزبور، آرای دادگاه‌ها را از شمول خود مستثنا نکرده است. لذا در راستای انطباق و همسو شدن با موازین بین‌المللی، نخست باید حق دسترسی آزاد به آرای دادگاه‌های کیفری از جمله دادگاه اطفال و نوجوانان را به رسمیت شناخت و دوم، به‌عنوان مقدمه اجرای این حق، قوه قضاییه را مکلف به انتشار این آرا -با رعایت اصل گمنامی و محرمانه‌بودن کامل هویت آنان- دانست.

۱. این ماده مقرر می‌دارد: «... کلیه آرای دادگاه‌ها بدون نام و مشخصات شاکیان و متهمان و خواهان‌ها و خواندگان با حفظ حریم خصوصی اشخاص، به‌نحوی که محتوای رأی منتشرشده موجب شناخته‌شدن هویت اصحاب دعوی نگردد، جهت نقد و بررسی توسط حقوقدان‌ها و آحاد جامعه منتشر خواهد شد؛ مگر اینکه حسب مورد به تشخیص قاضی اجرای احکام یا قاضی صادرکننده، انتشار آن‌ها خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد.»



در اینجا شایان ذکر است که مرجع رسیدگی نمی‌تواند در تصمیم خود، صرفاً به اعلام محکومیت یا برائت یا سایر تصمیم‌ها بسنده نماید، بلکه در هر مورد باید به‌طور مستدل و با استناد به مواد قانونی و اصول کلی حقوق، رأی صادر کرده و رأی خود را توجیه نماید (مهرا و قلی‌پور، ۱۴۰۰: ۸۱)؛ زیرا با توجه به غیرعلنی بودن دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان و تشکیل جلسات رسیدگی بدون حضور مردم و رسانه‌ها، مستدل و مستند نبودن حکم دادگاه، افکار عمومی را به‌طور قابل درکی نسبت به آنچه که پشت درهای بسته و به‌صورت محرمانه اتفاق افتاده است، مشکوک خواهد کرد و نظام دادرسی نیز با این اقدام، خود را در معرض بی‌اعتمادی قرار خواهد داد. در راستای تبیین و توجیه چنین الزامی، از یک سو می‌توان گفت مستدل و مستند بودن احکام قضایی می‌تواند در درک تصمیم نهایی دادگاه مؤثر باشد و باعث گردد متهم و وکیل یا والدین وی مشاهده نمایند که دادگاه، ادله و شواهد ارائه شده و به‌طور کل، اظهارات و دفاعیات آن‌ها را چگونه ارزیابی کرده و تا چه میزان به‌عنوان مبنای تصمیم قضایی مورد استفاده و استناد قرار داده است. از این رو، متهم یا وکیل وی از طریق این الزام می‌توانند در صورتی که حکم صادره را غیرمنصفانه و ناحق بدانند، آن را نپذیرند و هرگونه حق تجدیدنظر موجود را به‌نحو احسن به‌کار گیرند. از سوی دیگر، الزام دادگاه به بیان دلایل تصمیمات و نحوه استناد به شواهد و مدارک، به‌عنوان وسیله‌ای در جهت نظارت افکار عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی و اقناع آن‌ها در خصوص منصفانه بودن تصمیم دادگاه بسیار حیاتی می‌باشد؛ بنابراین، این اصل باعث می‌گردد که به‌واسطه پاسخگویی قضات، نوعی محدودیت بر آزادی عمل قضایی و حتی اعمال سلیقه آن‌ها شکل گیرد و امکان انحراف از عدالت و اتخاذ تصمیمات بی‌پایه یا نامتناسب، به حداقل برسد. از این رو، مستدل و مستند بودن اقدامات دادگاه‌های ویژه کودکان و نوجوانان و الزام محاکم به شرح دلایل و مبنای تصمیم‌های اتخاذی، از الزامات علنی



بودن حکم و ضامن تحقق دادرسی منصفانه محسوب می‌شود.^۱ در این رابطه، دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر در یکی از رسیدگی‌های خود متذکر شد که مستند و مستدل بودن احکام صادره از سوی دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان، به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر از حق محاکمه منصفانه و حمایت قضایی از این قشر، دارای اهمیت فراوانی می‌باشد که باعث درک متهم کودک یا نوجوان، وکیل وی و افکار عمومی در خصوص تصمیمات اتخاذی از سوی دادگاه ملّی می‌شود (IACtHR, The Mayagna Sumo Case, 2001: Para.23). از نظر کمیته حقوق بشر نیز، حق داشتن یک حکم مستدل و منطقی، ذاتی حق دادرسی منصفانه کودکان و نوجوانان است (HRC, Francis v. Jamaica, 1993: Para.12.1). همچنین یکی از مترقی‌ترین آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر که دامنه اثرگذاری مؤلفه‌های حق علنی بودن احکام در محاکم ملّی را مشخص نمود، در مورد شکایتی می‌باشد که علیه دولت گرجستان مطرح شده است. دادگاه اروپایی در این پرونده اظهار داشت که به دلیل غیرقابل دسترس بودن دلایل و مستنداتی که باعث درک افکار عمومی در خصوص رد ادعاهای خواهان می‌شود و نظر به اینکه دولت گرجستان نتوانسته است مؤلفه‌های موردنیاز علنی بودن احکام را رعایت کند، از این رو بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون نقض گردیده است (ECtHR, Rostomashvili v. Georgia, 2018: Paras.59-60). در راستای حمایت از این حق، «دستورالعمل کمیته وزرای شورای اروپا در مورد عدالت کودک‌مدار» مقرر داشته است: «احکام و تصمیمات دادگاه باید با استناد به قانون صادر و به‌درستی استدلال شود و به زبانی قابل فهم برای کودک توضیح داده شود ...» (Committee of Ministers of the Council of Europe, 2010: Para.49). بر این اساس، پاسخ کلی ارائه‌شده توسط محاکم ملّی با این عنوان که «کلیه شواهد

۱. با توجه به پیچیدگی زبان حقوقی و دشواری درک آن برای کودکان و نوجوانان، «حق بر تفهیم حکم» ایجاب می‌نماید که نه تنها حکم کیفری کودکان و نوجوانان باید مستند و مستدل باشد، بلکه ضروری است به زبانی روشن و قابل فهم برای محکوم تبیین شود.



موجود در پرونده برای محکوم کردن متهم کافی است»، نمی‌تواند به‌عنوان یک حکم مستدل و مستند در نظر گرفته شود؛ بلکه چنین حکمی، به‌منزله فقدان دلیل آشکار از سوی محاکم ملّی است. البته ناگفته پیداست که صرف اینکه اسباب و دلایل یک حکم و تصمیم قضایی به‌صورت جزئی و خط به خط تشریح نشده است، دلیلی بر غیرمنصفانه بودن آن نیست. لذا تصمیمات قضایی محاکم ملّی صرفاً هنگامی می‌تواند غیرمستدل تلقی شود و به منصفانه‌بودن دادرسی لطمه زند که هیچ دلیل و استدلالی برای اتخاذ آن ارائه نشده باشد، یا اینکه دلایل ذکرشده مبهم و غیرقابل فهم باشد.

در پایان، نکته‌ای که باید در خصوص حقوق کودکان و نوجوانان در فرایند دادرسی به آن توجه نمود، استقلال حقّ «علنی بودن حکم» از حقّ «غیرعلنی بودن دادرسی» است؛ به عبارت دیگر، رعایت یکی از این حقوق در فرایند دادرسی کودکان و نوجوانان، لزوماً به معنای نقض‌نشدن دیگری نیست؛ بر این اساس اگر جلسه دادرسی کودکان و نوجوانان -به‌طور غیرقانونی و بدون دلیل موجّه- علنی و با حضور عموم مردم و رسانه‌ها برگزار گردد، انتشار حکم با رعایت اصول گمنامی و مستند و مستدل بودن آن، نمی‌تواند نقض دادرسی منصفانه را توجیه نماید.

در نظام کیفری ایران، به‌رغم اینکه لزوم مستدل و مستند بودن احکام دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به‌صراحت بیان نشده است اما، با توجه به حکم عام اصل ۱۶۶ قانون اساسی و ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک و شناسایی این موضوع به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی دادرسی منصفانه، می‌توان این حکم عام را به دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان نیز تسرّی داد و این مراجع را به صدور احکام مستدل و مستند، ملزم دانست. بااین‌حال، مشکل عمده در رویه برخی دادگاه‌های کیفری ایران این است که در آرای صادره، استدلال کافی برای توجیه تصمیمات اتخاذشده ارائه نمی‌شود و عموماً عبارتهای کلیشه‌ای در این زمینه به‌کار می‌رود. این امر افزون بر اینکه دلایل واقعی چرایی تصمیمات گرفته‌شده را آشکار نمی‌سازد، تحقّق واقعی مشارکت مؤثر متهم را نیز با مشکل روبرو می‌کند و از استانداردهای مدنظر نظام بین‌المللی حقوق بشر فاصله



می‌گیرد؛ بنابراین در راستای انطباق با معیارها و خط‌مشی مورد پذیرش موازین بین-المللی، ضروری است که از یک سو، قانون‌گذار بر لزوم مستدل و مستند بودن احکام دادگاه‌های اطفال و نوجوانان تصریح نماید و از سوی دیگر، چالش‌های اجرایی و عملی موجود در رویه دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در این خصوص مرتفع گردد.

۶. نتیجه‌گیری

قلب نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان را می‌توان مرحله رسیدگی در دادگاه دانست. به همین جهت، تشریفات ویژه و قواعد افتراقی نیز بیشتر برای این مرحله در نظر گرفته شده است که یکی از مهم‌ترین آن، برگزاری غیرعلنی رسیدگی به اتهامات این قشر می‌باشد. در این راستا، با توجه به این امر که کودکان و نوجوانان متهم به نقض قوانین کیفری، در مرحله حساسی از زندگی قرار دارند که در شکل‌گیری شخصیت آنان مؤثر است، موضوعاتی مانند «رعایت حق حریم خصوصی»، «پرهیز از برچسب‌زنی» و «توجه به اصل برائت»، مبانی نظری لزوم برگزاری غیرعلنی دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهند.

مطالعه منابع متعدد حقوقی در نظام بین‌المللی حقوق بشر نشان از آن دارد که به‌رغم اینکه علنی بودن جلسات دادرسی در پرتو مقررات عام کیفری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی دادرسی منصفانه در جهت تضمین شفافیت روند رسیدگی به شمار می‌رود، لیکن در قلمرو حقوق کیفری شکلی ناظر به بزهکاری کودکان و نوجوانان، محرومیت شهروندان از حضور در جلسه دادرسی و عدم انتشار جریان رسیدگی از سوی رسانه‌ها به‌واسطه غیرعلنی بودن دادرسی، در شمار تضمین‌های دادرسی منصفانه ویژه کودکان و نوجوانان و از مصادیق آن محسوب می‌شود. بر این اساس می‌توان اذعان نمود که محدودیت برگزاری دادرسی علنی در دادگاه‌های کودکان و نوجوانان، به‌عنوان مهم‌ترین تفاوت دادرسی این قشر از متهمان با دادرسی بزرگسالان قلمداد می‌گردد. در این بین، با توجه به تأکید تدابیر حمایتی پیشگیری رشدمدار بر نقش خانواده و نظر به کارکردهای مثبت این نهاد در آرامش روحی و عاطفی کودکان و



نوجوانان، نظام بین‌المللی حقوق بشر مدت‌هاست پذیرفته است که حضور والدین یا سرپرستان قانونی در جلسات دادگاه و تمهید لوازم آن از جمله ارائه اطلاعات مربوط به زمان و مکان جلسه دادرسی و دعوت از آنها برای حضور با رعایت فاصله زمانی معقول، از شمول قاعده غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان خارج می‌باشد. همچنین در راستای پاسخگویی قضات در قبال عملکرد و تصمیمات اتخاذی خود و قادر ساختن افکار عمومی به آگاهی کامل از نحوه برخورد دادگاه‌ها با موارد مختلف و شیوه تصمیم‌گیری قضایی، نظام بین‌المللی حقوق بشر بر علنی بودن حکم‌گیری کودکان و نوجوانان و انتشار آن با رعایت مستند و مستدل بودن تصمیمات و حفظ اصل گمنامی و محرمانه‌ماندن هویت آنان، تأکید می‌ورزد. با توجه به آنچه آمد، در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که از یک سو، تأکید صریح اسناد عام حقوق بشری و مقررات خاص مربوط به حقوق کودک و رویه مراجع نظارتی و قضایی آنها بر موضوعات مزبور و از سوی دیگر، الزام محاکم ملی به رعایت این حقوق حتی در هنگامی که کودکان و نوجوانان به دلیل ارتکاب جرائم خشونت‌آمیز و پراهمیت، در دادگاه ویژه بزرگسالان مورد محاکمه قرار گیرند، نشانگر تلاش نظام بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با حفظ حریم خصوصی کودکان و نوجوانان و حمایت از این قشر در برابر برچسب‌زنی می‌باشد که به شکل قابل قبولی توانسته است تحقق یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام عدالت ویژه کودکان و نوجوانان را تضمین نماید.

در نظام دادرسی کیفری ایران، به‌رغم اینکه انتشار عمومی آرای دادگاه‌های اطفال و نوجوانان با رعایت گمنامی و حریم خصوصی آنان، تنها در یک دستورالعمل قضایی و نه در قانون پیش‌بینی شده است، می‌توان اذعان نمود که رویکرد قانون‌گذار در خصوص غیرعلنی بودن دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان و همچنین مستثنی نمودن والدین و سرپرستان قانونی از این قاعده و اقدامات صورت‌گرفته ناظر بر مشارکت آنها در جلسات دادرسی این گروه از متهمان، به‌طور کلی مثبت بوده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در این خصوص، نظام دادرسی کیفری ایران تا حدود زیادی



همسو و منطبق با نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد. با این حال، با عنایت به اینکه امروزه حقوق به رسمیت شناخته شده برای کودکان و نوجوانان در قوانین داخلی کشورها به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر اسناد عام حقوق بشری و مقررات بین‌المللی مربوط به حقوق کودک و رویه مراجع قضایی و نظارتی حقوق بشر، متحول شده و سبب شکل‌گیری الگوی واحد و جامع مربوط به اصول آیین دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان شده‌اند، به نظر می‌رسد قانون‌گذار و مقامات قضایی ایران نیز می‌توانند در راستای همگام شدن با موازین بین‌المللی، از معیارها و خط‌مشی مورد پذیرش نظام بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان در قوانین کیفری و رویه قضایی الگوبرداری نمایند تا بدین ترتیب، گام مهمی در جهت اصلاح و یا تکمیل سازوکارهای مربوط به دادرسی منصفانه این قشر از متهمان و به خصوص الزامات مرتبط با حفظ محرمانگی و رعایت حریم خصوصی آن‌ها بردارند.

۷. منابع

۷-۱. منابع فارسی

الف) کتب

۱. فارینگتون، دیوید و ولش، براندون (۱۴۰۰). *پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان (پیشگیری رشد‌مدرار)*، ترجمه سید علی حیدری، چاپ اول، تهران: میزان.
۲. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۴۰۱). *حقوق بشر معاصر (جستارهایی تحلیلی از حقاها و آزادی‌ها)*، چاپ ششم، تهران: شهر دانش، جلد ۲.
۳. مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۴۰۲). *دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان*، چاپ اول، تهران: سمت.
۴. مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۶). «کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی»، در: *علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد عاشوری)*،



چاپ هفتم، تهران: سمت، صص ۱۵۸-۱۲۲.

۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۴۰۱). «درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا» و «درباره سیاست جنایی افتراقی» دیباچه ویراست سوم و ویراست چهارم در: لازرژ، کریستن، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دهم، تهران: میزان.
۶. نیازپور، امیرحسن (۱۴۰۱). *حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرایند پاسخ-دهی به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان)*، چاپ سوم، تهران: میزان.
۷. ویلیامز، فرانکلین و مک‌شین، مریلین (۱۳۹۸). *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ هفتم، تهران: میزان.

ب) مقالات

۸. انصاری، باقر (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳، شماره ۳۵، صص ۳۰۸-۲۶۹.
۹. حیدری، مسعود (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین‌المللی و قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۱۴-۹۱.
۱۰. خالقی، علی (۱۳۸۸). «تأملی بر انتشار چهره متهم در روزنامه‌ها»، پژوهش‌های حقوقی، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۲۶-۱۳.
۱۱. شاملو، باقر و حسینی، انسیه (۱۳۹۹). «حق بر سلامت روان کودکان و نوجوانان بزه‌کار در پرتو عدالت کیفری افتراقی»، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، شماره ۹۲، صص ۹۶-۷۱.
۱۲. شاملو، باقر و محمدی، شهرام (۱۳۹۰). «نقض بی‌طرفی و عدم استقلال قاضی؛ جلوه‌ای از اقدام محلّ دادرسی عادلانه»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۴، ویژه‌نامه شماره ۶، صص ۱۳۶-۹۳.
۱۳. فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۸۹). «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به



- عدالت کیفری نوجوانان و جوانان؛ مطالعه تطبیقی»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره ۷، شماره ۱۴، صص ۲۸-۳.
۱۴. غلامی، حسین (۱۳۹۲). «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره ۱۰، شماره ۶، صص ۱۰۶-۸۹.
۱۵. مهرا، نسرين (۱۳۹۹). «افتراقی‌سازی تشریفات دادرسی کودکان و نوجوانان در ایران»، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۷۵-۵۴.
۱۶. مهرا، نسرين و قلی‌پور، غلامرضا (۱۴۰۰). «اساسی‌سازی نسبی دادرسی منصفانه در قانون اساسی مشروطه»، *پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۹۷-۶۳.
۱۷. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۲). «قرائت جرم‌شناسانه از قانون مدنی ایران در زمینه نگاهداری و تربیت اطفال؛ جلوه‌ای از جرم‌شناسی خانواده»، *خانواده‌پژوهی*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۶۹-۲۵۵.
18. Ansari, Bagher (2011). "Comparative Study of the Media Access to Judicial Proceeding and Information", *Public Law Research*, Vol.13, No.35, PP.269-308. (In Persian)
19. Farajih, Mohammad and Moghadasi, Mohammad-Bagher (2011). "Criminal Populist Approach to Juvenile and Youth Criminal Justice; Comparative Study", *Criminal Law Doctrines*, Vol. 7, No.14, PP.3-28. (In Persian)
20. Farrington, David and Welch, Brandon (2022). *Prevention of Delinquency in Children and Adolescents (Developmental Crime Prevention)*, Translate by: Seyyed Ali Heydari, 1st Ed, Tehran: Mizan. (In Persian)
21. Ghari Seyyed Fatemi, Seyyed Mohammad (2023). *Contemporary Human Rights (Analytical Essays on Rights and Freedoms)*, 6th Ed, Tehran: Shahr-e Danesh, Volume 2. (In Persian)
22. Gholami, Hossein (2014). "Patterns or types of juvenile criminal justice", *Criminal Law Doctrines*, Vol.10, No.6, PP.89-106. (In Persian)
23. Heidari, Masoud (2016). "Comparative Assessment of Penal Responsibility Age, According to Islamic Jurisprudence, International Documents and Islamic Penal Code 2013", *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, Vol.3, No.1, PP.91-114. (In Persian)



24. Khaleghi, Ali (2009). "Publishing Picture of Accused in Newspapers: A Legal Reflection", *Legal Research*, Vol.8, No.15, PP.13-26. (In Persian)
25. Mehra, Nasrin (2020). "Differentiation of Juvenile Judicial Protocols in Iran", *Police International Studies Journal*, Vol.11, No.41, PP.54-75. (In Persian)
26. Mehra, Nasrin and Gholipour, Gholam-Reza (2021). "Fair Trial Partial Constitutionalization in the Mashruteh Constitution", *Criminal Law Research*, Vol.9, No.34, PP. 63-97. (In Persian)
27. Moazenzadegan, Hasan-Ali (2023). *Criminal Procedure for Children and Juveniles*, 1st Ed, Tehran: Samt. (In Persian)
28. Moazenzadegan, Hasan-Ali (2018). "Children and Juveniles in conflict with the law and social reactions", In: *Criminal Scienceec (Essays in Honor of Professor Mohammad Ashouri)*, 7th Ed, Tehran: Samt, PP. 122-158. (In Persian)
29. Najaf Abranabadi, Ali-Hossein (2022). "An Introduction to Populist Criminal Policy" and "About Differential Criminal Policy", The Preface of the Third and Fourth Edition in: Lazerges, Christian, *Introduction to Criminal Policy*, Translate by: Ali-Hossein Najaf Abranabadi, 10th Ed, Tehran: Mizan, PP: 41-63. (In Persian)
30. Niazpour, Amir-Hassan (2022). *Juvenile Penal Law (The Process of Responding to the Delinquency of Children and Juvenile)s*, 3rd Ed, Tehran: Mizan. (In Persian)
31. Niazpour, Amir-Hassan (2013). "Criminological Analysis of Iranian Civil Code in Family Rules", *Family Research*, Vol.9 , No.2 , PP.255-269. (In Persian)
32. Shamloo, Bagher and Hoseini, Ensie (2021). "The Right to Mental Health of Juvenile Delinquent In The Light Of Differential Criminal Justice", *Legal Research Quarterly*, Vol.23 , No.92 , PP.71-96. (In Persian)
33. Shamloo, Bagher and Shahram Mohammadi (2012). "Violation of Impartiality and Lack of Independence of the Judge; A Manifestation of the Act of Disrupting a Fair Trial", *Legal Research Quarterly*, Vol.14 , Special No.6 , PP.93-136. (In Persian)
34. Williams, Frank and McShane, Marilyn (2019). *Criminological Theory*, Translate by: Hamid-Reza Malekmohammadi, 7th Ed, Tehran: Mizan. (In Persian)



۷-۲. منابع لاتین

A) Books

35. Clooney, Amal and Webb, Philippa (2022). *The Right to a Fair Trial under Article 14 of the ICCPR*, Oxford: Oxford University Press.
36. Engstrom, Par (2019). *The Inter-American Human Rights System: Impact Beyond Compliance*, 1st Ed, London: Palgrave Macmillan.
37. Goldson, Barry (2018). *Juvenile Justice in Europe: Past, Present and Future*, 1st Ed, London: Routledge.
38. Kfoury, Pual (2023). *Children before the court: Reflections on legal issues affecting minors*, 4th Ed, Massachusetts: Butterworth Legal Publishers.
39. Micus, Annelen (2015). *The Inter-American Human Rights System as a Safeguard for Justice in National Transitions*, 2nd Ed, Boston: Brill Hijhoff.
40. Schabas, William (2019). *UN Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary*, 3rd Ed, Kehl, Germany: N.P. Engel.
41. Vandenhoe, Wouter and Others (2021). *Children's Rights: A Commentary on the Convention on the Rights of the Child and its Protocols (Elgar Commentaries in Human Rights series)*, 1st Ed, Camberley: Edward Elgar Publishing.
42. Van Dijk, Pieter and Others (2018). *Theory and Practice of European Convention on Human Rights*, 5th Ed, Cambridge: Intersentia.

B) Articles

43. Bosland, Jason and Gill, Jonathan (2014). "The Principle of Open Justice and the Judicial Duty to Give Public Reasons", *Melbourne University Law Review*, Vol.38, No.2, PP.471-595.
44. Lee, Sou and Bubolz, Bryan (2020). "The Gang Member Stands Out: Stigma as a Residual Consequence of Gang Involvement", *Criminal Justice Review*, Vol.45, No.1, PP.64-83.
45. Nicholls, Jesse (2017). "Open Justice and Developments in the Law on Anonymity; Access to Material on the Court file and Reporting Restrictions", *Doughty Street Chambers*, Vol.23, No.3, PP.1-32.
46. Radić, Ivana (2020). "Importance of the Protection of Privacy of Juvenile Suspects or Accused Persons in Criminal Proceedings in the Context of the EU Law", *EU and Comparative Law Issues and Challenges Series (ECLIC)*, Vol.4, No.1, PP.576-597.



47. Webb, Patrick (2008). "Privacy or Publicity: Media Coverage and Juvenile Proceedings in the United States", *International Journal of Criminal Justice Sciences*, Vol.3, No.1, PP.1-14.

C) Cases and Reports

48. CRC, General Comment No.24, On Children's Rights in the Child Justice System (CRC/C/GC/24), 2019.

49. CRC, General Comment No.12, The Right of the Child to Be Heard (CRC/C/GC/12), 2009.

50. CRC, Reports Submitted by States Parties under Article 44 of the Convention on the Rights of the Child, Final Observations: Colombia (CRC/C/COL/CO/3), 2006.

51. Directive EU 2016/800, On Procedural Safeguards for Children Who Are Suspects or Accused Persons in Criminal Proceedings, 2016.

52. ECtHR, *Coselav v. Turkey* (No.1413/07), 2012.

53. ECtHR, *Rostomashvili v. Georgia* (No.13185/07), 2018.

54. ECtHR, *T v. United Kingdom* (No.24724/94), 1999.

55. ECtHR, *Tierce and Others v. San Marino* (No.24954/94), 2000.

56. ECtHR, *V v. The United Kingdom* (No.24888/94), 1999.

57. HRC, *Francis v. Jamaica* (No.320/1988), 1993.

58. HRC, General Comment, No.32 (U.N. Doc. CCPR/C/GC/32), 2007.

59. IACtHR, Advisory Opinion (OC-17/2002), Juridical Condition and Human Rights of the Child, 2002.

60. IACtHR, *Argüelles et al v. Argentina* (No.12.167), 2011.

61. IACtHR, *Asto and Rojas v. Peru* (No.137), 2005.

62. IACtHR, *Bulacio v. Argentina* (No.100), 2003.

63. IACtHR, *The Juvenile Re-education Institute v. Paraguay* (No.112), 2004.

64. IACtHR, *The "Street Children" v. Guatemala* (No.63), 1999.

65. IACtHR, Report on Juvenile Justice and Human Rights in the Americas (OEA/Ser.L/V/II. Doc.78), 2011.

66. IACtHR, Second Report on the Situation of Human Rights in Colombia (OEA/Ser.L/V.II. 84, Doc.39 Rev) 1993.

67. IACtHR, *The Mayagna (Sumo) Awas Tingni Community Case* (No.79), 2001.

E) Documents

68. American Convention on Human Rights (1969).

69. Convention on the Rights of the Child (1989).



70. European Convention on Human Rights (1950).

71. International Covenant on Civil and Political Rights (1966).

72. United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency (The Riyadh Guidelines) (1990).

73. United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (Beijing Rules) (1985).

D) Website

74. Long, Cindy, "The Secret of Sexual Assault in Schools", 12 April 2017, Available at: <https://www.nea.org/nea-today/all-news-articles/secret-sexual-assault-schools> [Last Accessed: 2 January 2024].

75. Sukhov, Oleg, "First-Ever School Shooting Prompts Debate on Security", 3 February 2014, Available at: <https://www.themoscowtimes.com/archive/first-ever-school-shooting-prompts-debate-on-security> [Last Accessed: 2 January 2024]



Non-publicity of the Criminal Trial of Children and Juveniles in the International Human Rights System (With a Glance at Iranian Criminal Proceeding System)

Morteza Rasteh^{*1}, Nasrin Mehra², Mozghan Nemati³

1. Graduate of Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
3. Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Receive: 2024/01/31 Accept: 2024/05/10

Abstract

Considering the vulnerability of the personality of children and juveniles accused of violating criminal laws it is crucial to avoid the institutionalizing delinquency through labeling. To achieve this, differential measures should be employed when addressing their accusations. Although the principle of public proceedings -comprising both "holding hearings in public" and "publicity of judgments"- is considered fundamental for transparency of the proceedings, Adjustment of the aforementioned principle such as holding non-public of hearings on the charges against children and , while publicizing their judgments.is needed to guarantee fair proceedings and safeguarding the rights of acused children and juveniles and avoiding labeling them as criminals. International human rights system, through human rights documents and especially their judicial and supervisory institutions, established mechanisms to such as non-publicity of the trial of children and juveniles and the holding of hearings without the presence of the public and the media in national courts to achieve above mentioned goals; . However, in the publication and accessibility of decisions issued by specialized courts for children and adolescents. the principle of publicity of judgments with the observance of the principle of anonymity has been recognized by the international human rights system. Although Iranian Criminal Proceeding System, non-publicity of the judgments of the children and juveniles courts, respecting their anonymity and privacy, is based on a judicial instruction and not by means of legislation , the legislator's approach regarding the non-publicity of criminal trial for children and juveniles as well as the exclusion of parents and legal guardians from this rule, can be construed in accordance to international human right system measures taken regarding their participation in the hearings of this group of defendants..

Keywords: Children and Juveniles rights, Non-public Trial, Fair Proceedings, Privacy, Differential Justice.

* Corresponding Author: E-mail: morteza.rasteh313@gmail.com